

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)

سال یازدهم، شماره ۳۷ و ۳۸، بهار و تابستان ۸۰

بررسی تطبیقی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت مردم در انتخابات شش دوره ریاست جمهوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران ۱۳۷۲-۱۳۵۸

داود رضی *

چکیده

در این پژوهش به بررسی کمیت و تغییرات میزان مشارکت مردم در انتخابات شش دوره ریاست جمهوری از سال ۱۳۷۲-۱۳۵۸ در استان‌های کشور پرداخته است. همچنین با استفاده از رویکرد اجتماعی و اقتصادی، تئوری نوسازی در جهت توضیح نحوه تأثیر برخی از متغیرها و شاخص‌های جامعه‌شناسی بر میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری مبادرت شد. برخی از نتایج به دست آمده از پژوهش بدین قرارند:

- ۱- میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری طی شش دوره، بین سال‌های ۷۲-۵۸، نوسان داشته است، اما در مجموع روند تغییرات در میزان مشارکت در انتخابات سیر نزولی داشته است.
- ۲- میزان مشارکت مردم در انتخاب ریاست جمهوری در استان‌هایی که نسبت افراد معتقد به مذهب شیعه اثنی عشری بیشتر از سایر مذاهب (اهل

تسنن، مسیحیان و ...)) بوده و در استان‌هایی که جمعیت کمتری داشته و میزان شهرنشینی نیز در آنان پایین‌تر بوده، بیشتر از استان‌های دیگر بوده است.
۳- میزان مشارکت در استان‌های مرزی کمتر از دیگر استان‌ها بوده است، این امر در اوایل انقلاب از شدت بیشتری برخوردار است.

۴- نتایج حاصله از تحلیل رگرسیون چند متغیری با حجم واحد تحلیل (۱۴۴) مورد نشان می‌دهد که تورم (۰/۹)، بیکاری (۰/۶)، شهرنشینی (۰/۳)، سواد (۰/۸)، و جنسیت (۰/۲) که در مجموع در حدود (۰/۲۹) می‌شود، از تغییرات میزان مشارکت مردم در انتخابات شش دوره ریاست جمهوری را توضیح می‌دهند. متغیر صنعتی شدن به واسطه رابطه ضعیف و غیرمعنی دار آن با متغیر وابسته، نتوانسته است وارد معادله رگرسیون شود.

۵- تورم، بیکاری و شهرنشینی تأثیر منفی و سواد و جنسیت تأثیر مثبت بر میزان مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری داشته‌اند. بیشترین تأثیر مربوط به متغیرهای تورم (۰/۷۴-) و سواد (۰/۶۷) و کمترین تأثیر مربوط به جنسیت (۰/۱۵) می‌باشد.

مقدمه

بی‌شک مشارکت عمومی و فراگیر مردم یک جامعه در تصمیم‌گیری‌ها و اموری که به نوعی با اهداف سیاسی-اجتماعی آن جامعه مرتبط است، مورد توجه بسیاری از صاحب نظران قرار گرفته و به عنوان یکی از اساسی‌ترین حقوق دموکراتیک افراد یک جامعه تلقی شده است.

مشارکت سیاسی به معنای شرکت در فراگردهای سیاسی که به گزینش نخبگان (رهبران) سیاسی منجر و سیاست عمومی کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ یکی از عناصر اساسی هر حکومت است.

حکومت چه بزرگ باشد و چه کوچک؛ کسانی باید تصمیمات سیاسی را اتخاذ کنند و کسانی نیز باید رهبران و مسئولان سیاسی را تعیین، حمایت یا عزل نمایند.

مکانیسم‌های تصمیم‌گیری در یک جامعه و کمیت و کیفیت افراد و اقشاری که درگیر آن هستند یکی از شاخص‌های عمده طبقه‌بندی نظام‌های سیاسی است.

مکانیسم‌های تصمیم‌گیری در یک جامعه و کمیت و کیفیت افراد و اقشاری که درگیر آن هستند یکی از شاخص‌های عمده طبقه‌بندی نظام‌های سیاسی است. شرکت در انتخابات یکی از انواع مهم مشارکت سیاسی است که خود به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آنها اعضای یک جامعه در انتخاب تصمیم‌گیرندگان سیاسی مشارکت و به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم در شکل دادن به سیاست عمومی نفوذ و دخالت می‌نمایند. رأی دادن در انتخابات معیار عمده اندازه‌گیری میزان مشارکت سیاسی مردم یک جامعه می‌باشد. شرکت در انتخابات، عام‌ترین و سهل‌ترین و یا به عبارت دیگر کم هزینه‌ترین نوع مشارکت سیاسی است؛ ولی غالباً به دلایل متعدد این حق عمومی توسط همه کسانی که واجد آن هستند اعمال نمی‌شود.

در ایران بالاخص پس از پیروزی انقلاب اسلامی، انتخابات، صرف‌نظر از اهمیتی که به طور معمول در یک نظام سیاسی مبتنی بر آرای مردم دارد، عملاً به عنوان شاخص و آزمونی در جهت تثبیت نظام سیاسی و میزان محبوبیت و حمایت آن در بین مردم تلقی می‌شود. از طرف دیگر، صاحب نظران توسعه اعتقاد دارند که در کشورهایی نظیر ایران، مشارکت سیاسی نه فقط یکی از اهداف توسعه، بلکه همچنین یک جزء انضمامی در فرایند توسعه سیاسی می‌باشد و اجرای برنامه‌های توسعه کشور را تسهیل می‌نماید.

۱- کلیات

- طرح مسأله، تحدید و تعریف موضوع

در پژوهش حاضر ما در صدد هستیم به بررسی مشارکت سیاسی^۱ در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بپردازیم. این مبحث یکی از مباحث حوزه جامعه‌شناسی سیاسی است. در حوزه مطالعات جامعه‌شناسی سیاسی چهار سطح قابل تفکیک است، که یکی از این سطوح را «مشارکت افراد در سیاست» در بر می‌گیرد. (آبرکرامبی، ۱۳۶۷، صص ۲۹۰-۲۸۹) سه سطح دیگر شامل

کشمکش‌ها و مناقشات سیاسی بین دولت‌ها یعنی جامعه‌شناسی روابط بین الملل، ماهیت و نقش دولت در درون جوامع، و ماهیت و سازمان جنبش‌ها و احزاب سیاسی می‌باشد. ساده‌ترین تعبیری که از مشارکت سیاسی به ذهن می‌رسد، این است که مشارکت سیاسی فرایندی است که مجموعه افراد جامعه با شرکت در تصمیم‌گیری‌ها در اداره و سازمان‌دهی جامعه سهم می‌شوند. به عبارت دیگر مشارکت سیاسی عبارت است از شرکت در فراگردهای سیاسی که به گزینش رهبران^۱ سیاسی منجر می‌شود و سیاست عمومی را تعیین می‌کند و یا بر آن اثر می‌گذارد (آبراکرامبی، ۱۳۶۷، صص ۲۸۷-۲۸۶). بنابراین با توجه به این مفهوم از مشارکت سیاسی، حضور فعال یا نیمه فعال افراد در احزاب^۲، شرکت در تصمیم‌گیری‌ها، کمک‌های مالی به حزب مورد علاقه، رأی دادن و حضور در انتخابات^۳، آگاهی از مسایل سیاسی و این قبیل رفتارهای سیاسی را می‌توان جلوه‌های مختلف مشارکت سیاسی محسوب کرد. بدین لحاظ، بدیهی است که مشارکت سیاسی موضوعات متعددی را در بر می‌گیرد و هر یک از این موضوعات هم می‌تواند زمینه یک تحقیق^۴ جدی و گسترده باشد، کما اینکه «میخلز» در کار ارزشمند و کلاسیک خود فقط به روند مشارکت در احزاب پرداخته است و برخی دیگر به رژیم انتخاباتی یا روانشناسی انتخابات و غیره.

مشارکت سیاسی در هر جامعه با توجه به مجموعه شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی اشکال گوناگونی را شامل می‌شود. از جمله: مشارکت منفعلانه، مشارکت فعال^۵، مشارکت سیاسی محدود، مشارکت سیاسی گسترده یا مشارکت سیاسی احساسی^۶، مشارکت سیاسی عقلانی^۷ و..

1- Leaders

2- Parties

3- Elections

4- Research

5- Active Participation

6- Sentimental

7- Rational

با توجه به جلوه‌های گوناگون مشارکت سیاسی، صرف‌نظر از عضویت در احزاب، بسیاری از جنبه‌های مشارکت که برخی از آنها در بالا ذکر شد، وسیله‌هایی برای اندازه‌گیری مشارکت در فراگرد سیاسی به دست نمی‌دهد و معیار عمده مشارکت کماکان رأی دادن در انتخابات است (آبرکرامبی، ۱۳۶۷، ص ۲۸۷). بر این باور برخی دانشمندان سیاسی در تعیین مشارکت سیاسی بر آن شدند که توجه خود را صرفاً به انتخابات و رفتار رأی دهندگان معطوف سازند و حتی در برخی از محافل آکادمیک ایجاد یک رشته کاملاً تازه مطالعه به نام «سفولوژی»^۱ به معنای مطالعه انتخابات و رفتار رأی دهندگان پدید آید (باتامور، ۱۳۶۸، ص ۳۴).

به هر حال اگر چه تقلیل^۲ مشارکت سیاسی به مشارکت در انتخابات امری نیست که بتواند این بعد از مسایل سیاسی را بطور کامل تبیین کند، ولی می‌تواند وسیله شناختی برای مطالعه مشارکت در ابعاد وسیع‌تر محسوب گردد.

این پژوهش به بررسی میزان مشارکت مردم در انتخابات شش دوره ریاست جمهوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته است.

سؤال اصلی تحقیق این است که «میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری بر اساس چه وضعیت و کمیتی تغییر می‌کرده است؟ در صورت کاهش مشارکت مردم در انتخابات چه عوامل اجتماعی و اقتصادی در این زمینه تأثیر گذار بوده‌اند؟»

در این زمینه در بخش نظری پژوهش، مباحث متعدد مربوط به مشارکت سیاسی طرح گردیده است. و در بخش عملی، میزان مشارکت در انتخابات در ارتباط با برخی از متغیرهای^۳ اجتماعی اقتصادی مورد واریسی قرار گرفته است. لازم به توضیح است مباحث مطرح شده در این پژوهش چه از جنبه نظری و چه در قسمت تجربی کار، در برگیرنده کلیه مباحث و عوامل در ارتباط با مشارکت سیاسی و مشارکت در انتخابات نبوده، و فقط به طرح^۴ موارد عمده قابل دسترس بسنده شده است.

1- Psephology

2-Reduction

3- Variables

4- Design

- اهداف^۱ تحقیق

هدف از پژوهش ذیل ارائه پاسخ‌ها و توضیحات کامل به سؤالات تحقیق است. لذا نگارنده قصد دارد با بررسی آراء صاحب نظران و آمارهای موجود به بررسی واقعیت مشارکت سیاسی در ایران بعد از انقلاب اسلامی پردازد. بدیهی است که این مطالعه به دور از پیش داوری^۲ و به عنوان یک کنش^۳ علمی در قالب عینی و عقلانی طرح گردیده است. لذا در جهت انجام پژوهش، شاخص‌های^۴ عمده مشارکت سیاسی، با استفاده از بررسی و تحلیل کیفی^۵ محتوای تئوری‌های مربوطه و تحلیل کمی آماری شاخص‌های اجتماعی- اقتصادی در ارتباط با مشارکت افراد در سیاست در حالت عام و مشارکت در انتخابات در حال خاص، مورد تجزیه و تحلیل، تبیین^۶ و تفسیر^۷ واقع می‌شوند.

از جنبه خرد هدف‌های ذیل مورد نظر می‌باشند:

- ۱- بررسی مفهوم و معنای مشارکت
- ۲- بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی افراد
- ۳- بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر مشارکت سیاسی افراد
- ۴- بررسی عوامل روان‌شناختی مؤثر بر مشارکت سیاسی افراد
- ۵- بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر مشارکت سیاسی افراد
- ۶- بررسی عوامل سیاسی مؤثر بر مشارکت سیاسی افراد
- ۷- بررسی موانع موجود بر سر راه مشارکت سیاسی افراد

-
- 1- Objects
 - 2- Prejudice
 - 3- Action
 - 4- Indicators
 - 5- Quality
 - 6- Explanation
 - 7- Interpretation

توضیح اینکه موارد شماره‌های ۴ الی ۷ در فصل چارچوب نظری، در بخش مروری بر نگرش‌های گوناگون با توجه به رویکردهای مختلف تئوری پژوهش در سطح نظری مورد تعریف، توضیح و تحلیل قرار گرفته‌اند.

اهمیت^۱ و ضرورت^۲ اجتماعی و علمی تحقیق

اهمیت و ضرورت هر تحقیقی از دو جنبه قابل طرح است: ۱- اهمیت نظری^۳ ۲- اهمیت تجربی^۴ و کاربردی^۵.

اهمیت نظری هر تحقیق لزوماً با مفهوم شناخت^۶ مرتبط است. هر تحقیقی شعاع اطلاعات و دانش ما را نسبت به پدیده مورد مطالعه افزایش می‌دهد. این پژوهش نیز به شناخت عینی و علمی ما از موضوع مورد نظر کمک می‌کند تا به دور از ذهنی‌گرایی^۷ واقعیت مشارکت مردم در انتخابات مشخص شود، کمیت آن مورد مشاهده، نوسان و تغییرات آن مورد ارزیابی و بالاخره برخی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر در افزایش و یا کاهش در آن مورد ملاحظه قرار گیرد. درخاتمه نیز به نتایج کلی و پیشنهاداتی در این باره اشاره می‌کنیم.

اهمیت تجربی و کاربردی پژوهش نیز از جنبه‌های با اهمیت هر تحقیق می‌باشد؛ زیرا توان برنامه‌ریزی و تصحیح و اصلاح را برای مسئولین فراهم می‌آورد. این مطلب با توجه به اصل سودمندی^۸ و منافع مشترک سیاسی و منفی دانستن کاهش مشارکت در انتخابات از برجستگی بیشتری برخوردار است. اساس^۹ و بنیان هر جامعه بر همکاری بین افراد در جهت رسیدن به اهداف

1- Importance

2- Necessity

3- Theoretical

4- Empirical

5- Applicational

6- Knowledge

7-Subjectivism

8- Usefulness

9- Base

مشارکت، بنا نهاده شده است؛ لذا دستیابی به اهداف که همانا در برگیرنده تأمین نیازها و خواسته‌های افراد جامعه است، ایجاب می‌کند که افراد جامعه در تمامی زمینه‌ها یک همکاری فعال و گسترده را دنبال کنند. البته در واقعیت‌های موجود با شکل‌گیری لایه‌ها و طبقات اجتماعی^۱ گوناگون و گاه متخاصم، تبیین مسأله به این سادگی‌ها نیست. این یک واقعیت است که ایجاد تعادل و هماهنگی و ثابت در هر جامعه، مطمئناً بیشتر به سود طبقه حاکم و مسلط^۲ بر جامعه است، ولی به تجربه ثابت شده است که اغتشاش^۳، بی‌ثباتی، بی‌سامانی و عدم اتحاد و همکاری در جامعه، در دراز مدت برای اکثریت افراد و در کلیه اقشار و طبقات، آثار منفی به بار می‌آورد. بنابراین باید از کاهش مشارکت سیاسی در جامعه جلوگیری نمود، چون نتایج نامطلوبی را به دنبال خواهد داشت. کاهش مشارکت سیاسی در جامعه، به معنای ایجاد جدایی و انفصال بیشتر بین مردم و سیستم بین مردم و سیستم سیاسی است. این وضعیت در نهایت در برنامه‌ریزی‌های اساسی برای اداره جامعه و ثبات و ساماندهی اجتماعی اختلال ایجاد کرده، با ایجاد تنش‌ها^۴ و بحران‌ها^۵ از انجام برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی ممانعت به عمل می‌آورد.

با این مقدمات افزایش مشارکت سیاسی در جامعه می‌تواند، در ایجاد تعادل و هماهنگی لازم، نقش بسیار مثبتی را ایفا نماید. وقتی کلیه افراد جامعه در تصمیم‌گیری‌های اساسی جامعه‌شان شرکت داشته باشند و بتوانند براساس فهم و اندیشه و استفاده از وسایل و ابزار قانونی، خواسته‌های مشروع‌اشان را تحقق بخشند و وقتی نظام توزیع قدرت و حاکمیت در انحصار^۶ قشر و طبقه خاصی نباشد و همه در آن سهم باشند از کشمکش و ستیزه‌ها^۷ کاسته شده، اقشار و طبقات اجتماعی همدیگر را تحمل می‌کنند و با ثبات و امنیتی که بدین سان در جامعه به وجود می‌آید می‌توان به

1- Social classes

2- Dominant

3- Rebellion

4- Tention

5- Crisis

6- Confinement

7- Conflict

تدوین برنامه‌ریزی‌های لازم در جهت رشد و توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مبادرت نمود.

لذا شناخت کامل از وضعیت، کمیت و کیفیت مشارکت سیاسی در جامعه ایران در این برهه از زمان، شناسایی عوامل مؤثر در کاهش و یا افزایش مشارکت سیاسی افراد، این امکان را به برنامه‌ریزان سیستم سیاسی می‌دهد تا با حذف عوامل کاهش دهنده و ایجاد و توسعه عوامل مثبت در میزان مشارکت سیاسی زمینه ثبات سیاسی و استحکام سیستم را فراهم آورند.

از موارد دیگری که اهمیت طرح مساله مشارکت سیاسی را می‌رساند، این است که حق مشارکت همگانی در روند تصمیم‌گیری اساسی خود یکی از عناصر^۱ اصلی حکومت^۲ دموکراتیک و مردمی است. لذا حکومت چه بزرگ و چه کوچک و جامعه چه الیگارشیا باشد، چه دموکراسی، کسانی باید تصمیمات سیاسی را اتخاذ کنند و رهبران را تعیین، حمایت و یا عزل نمایند. مکانیسم‌های تصمیم‌گیری سیاسی در یک جامعه، نهادهای مشارکت در قدرت و گستردگی حق مشارکت یکی از شاخص‌های عمده طبقه‌بندی نظام‌های سیاسی و اجتماعی است (دال، ۱۳۶۴، صص ۹۷-۱۰۰).

از موارد دیگری که در اهمیت پژوهش در زمینه مشارکت سیاسی قابل طرح است این است که، گروهی براساس دیدگاه کلاسیک دموکراسی، مشارکت کم شهروندان را به معنی عدم موافقت همگانی و عدم اجماع^۳ می‌دانند و از آنجا که به نظر آنها دموکراسی مبتنی بر اجماع است، مشارکت کم به منزله محروم ماندن حکومت از تجارب و نظریان دیگران، فقدان نمایندگی گروه‌های وسیعی، که عموماً از طبقات پایین جامعه هستند، تلقی می‌شود که خود امری مخاطره آمیز برای نظام سیاسی است و این عامل همچنین باعث توقف رشد و سکون افرادی می‌شود که در فعالیت سیاسی شرکت نمی‌کنند و نهایتاً خودسری دولتمردان نتیجه دیگر این فرایند است و این همه برای دموکراسی کارکردهای منفی در بر دارند (ابنشتاین، ۱۳۶۶، صفحه پانزده تا نوزده مقدمه).

1- Elements

2- Government

3-Consensus

«گاستون بوتول» در زمینه اهمیت آراء عمومی و انتخابات می‌نویسد که آراء عمومی برای دولتمرد سیاسی، به ویژه آشکار کننده شکایت‌های مردم و اشتیاق آنان است (بوتول، ۱۳۷۱، ص ۱۲۴).

انتخاب چارچوب تئوریک تحقیق

مباحثی که در فصل چهارچوب تئوریک مورد نظر بوده، اشاره به دو مبحث مبنایی یعنی دموکراسی و توسعه سیاسی به عنوان اصول و شالوده‌های فرایند مشارکت سیاسی و از طرف دیگر مروری بر نگرش‌ها و تئوری‌های خرد گوناگون در قالب تئوری نوسازی و رویکردهای گوناگون اجتماعی، روان‌شناختی، فرهنگی، سیاسی و برجسته‌سازی و آشکار سازی آن بوده است. پرسشی که در اینجا قابل طرح است، این است که آیا این چارچوب تئوریک ارائه شده توانایی تبیین مشارکت سیاسی و مشارکت مردم در انتخابات در جامعه ما یعنی ایران را دارد یا خیر؟

نکته‌ای که در اینجا لازم به ذکر است، این مورد است که منشأ و خاستگاه اولیه این تئوری‌ها در غرب و کشورهای غربی است. البته بسیاری از این تئوری‌ها در سایر کشورها از جمله کشورهای جهان سوم مورد واریسی قرار گرفته که ضمن تأیید بعضی از موارد آن، برخی تفاوت‌ها نیز نسبت به کشورهای غربی آشکار و مشخص شده است.

علت بروز تفاوت‌ها به متفاوت بودن شرایط و وضعیت‌های کشورهای مختلف در بعد تاریخی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... می‌باشد.

تئوری نوسازی در گذار بین دو مرحله سنتی و مدرنیسم، اصل را بر مدرنیسم و نوسازی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی قرار داده است. در بعد نوسازی سیاسی این تئوری و نهایتاً مشارکت سیاسی است. یکی از این شاخص‌ها و معرف‌های جامعه سنتی، میزان گرایش بالا به مذهب است، در این تئوری یک جامعه مذهبی لزوماً از میزان پایینی از مشارکت سیاسی برخوردار است.

این یکی از موارد نقص این تئوری در کاربرد آن در جامعه ما می‌باشد. واقعیت‌های جامعه ما همگی گویای این قضیه است که یکی از عوامل مؤثر در میزان مشارکت مردم در انتخابات میزان

گرایش‌های مذهبی آنان است، به عبارت دیگر این مذهبی‌ها هستند که مشارکت فعالانه در امور سیاسی جامعه دارند و در مقابل آنان که دارای گرایش‌های رقیق‌تر مذهبی هستند و یا کسانی که مذهبی نیستند، میزان مشارکت سیاسی‌شان محدودتر است، این واقعیت متأثر از نوع سیستم سیاسی در جامعه ما که یک نظام سیاسی دینی است می‌باشد. این نکته‌ایست که در این تئوری وارونه ارائه شده است.

یکی دیگر از تفاوت‌های موجود در تحقق این تئوری، نبود بعضی از پیش‌فرض‌ها و پیش‌زمینه‌های لازم که در تئوری‌نوسازی نهفته است، در جامعه ما می‌باشد. حقوق و آزادی‌های سیاسی که در جامعه برای افراد در نظر گرفته شده است و در مرحله بعد دامنه شقوق انتخاب برای افراد در تئوری‌نوسازی از محدوده بسیار وسیعی برخوردار است. همین خصوصیت باعث شده که میزان مشارکت سیاسی در حد بسیار بالایی با تغییرات متغیرهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و روان‌شناختی که این تئوری مطرح می‌کند همخوان باشد. ولی واقعیت این است که این محدوده وسیع از حقوق و آزادی‌ها و دامنه شقوق انتخابی در اکثر کشورهای جهان سوم موجود نیست. و فقدان این واقعیت به تأثیر گذاری‌های متغیرهای ارائه شده از سوی این تئوری در تبیین مشارکت سیاسی جهت منفی می‌دهد.

در ایران نیز شرایط حقوق سیاسی و آزادی‌ها و دامنه شقوق انتخابی با ویژگی‌ها و شرایط و محدودیت‌های خاص خود روبرو است، این ویژگی‌های ناهمخوان با تئوری‌نوسازی باعث شده، برخی شاخص‌های نوسازی سیاسی - اقتصادی به طور معکوس بر میزان مشارکت سیاسی افراد تأثیر گذار باشد.

پس به نظر می‌رسد شاخص‌های صنعتی شدن، شهرنشینی که از جمله مهم‌ترین معرف‌های نوسازی هستند، تأثیر منفی بر میزان مشارکت مردم در انتخابات ایران داشته‌اند. در حالی که در تئوری‌نوسازی این شاخص‌ها میزان مشارکت سیاسی در جوامع را افزایش می‌دهند.

نگارنده بر این نظر است، اگر تغییراتی در زمینه افزایش حقوق و آزادی‌های افراد صورت گیرد به گونه‌ای که دامنه شقوق انتخابی افزایش یابد، جهت تأثیر گذاری شاخص‌های نوسازی در جامعه ما نیز به صورت مثبت در خواهد آمد.

صنعتی شدن به عنوان رشدی اقتصادی که به واسطه اعمال تکنولوژی در توسعه صنعتی حاصل می‌شود بر تحولات اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و روان‌شناختی مؤثر است. در نتیجه بر فرایند مشارکت سیاسی نیز تأثیر گذار است. توجه به سیاست از منافع و دلبستگی‌های ملی و اهمیت هر چه بیشتر توزیع قدرت در جامعه نشأت می‌گیرد.

تغییرات کمی و کیفی آموزش و پرورش یکی دیگر از شاخص‌های نوسازی است که نقش مستقیم بر مشارکت سیاسی دارد. افزایش اطلاعات و دانش افراد در زمینه زندگی اجتماعی و سیاسی گرایش هر چه بیشتر آنان را به سیاست که نقش تعیین کننده‌ای در حوزه‌های مختلف زندگی افراد دارد، جلب می‌کند.

شهرنشینی نیز یکی دیگر از معرف‌های نوسازی است، تنها در شهر است که مهارت‌های پیچیده و منابع لازم برای یک اقتصاد صنعتی نوین، یافت می‌گردد. به علاوه در چارچوب شهرهاست که سواد عمومی و ارتباطات جمعی رشد می‌یابند. سواد پیش شرط دستیابی به مهارت‌های لازم برای جامعه نوسازی شده است و رسانه‌های همگانی رشد جمعیت با سواد را تسریع می‌کنند. شرکت در ارتباطات جمعی و در زندگی سیاسی، از همین تحول ناشی می‌شود، همه اینها به نقش تعیین کننده شهری شدن و زندگی شهری در کنش‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی اشاره دارد.

جنسیت یکی دیگر از فاکتورهایی است که در تئوری نوسازی بر میزان مشارکت سیاسی تأثیر گذار است. در اکثر جوامع و در اکثر مواقع مردان بالنسبه بیشتر از زنان در امور سیاسی مشارکت داشته‌اند؛ که این خود معلول عامل‌های متعدد دیگری است. هر چند روز به روز، فاصله‌ها در این زمینه کمتر می‌شود، به نظر می‌رسد در ایران نیز چنین الگویی صادق باشد.

دو متغیر دیگر که نگارنده قصد دارد آنها را در فرضیات پژوهش بگنجانند، یکی بیکاری است و دیگری تورم.

تورم و بیکاری چه تأثیری بر میزان مشارکت مردم در انتخابات دارند؟ تأثیر مثبت یا تأثیر منفی و یا یک حالت خنثی؟ آنچه که از تئوری نوسازی بر می‌آید، این است که این دو متغیر اگر حالت حاد و بحرانی ایجاد کنند، مطمئناً تأثیر منفی بر مشارکت سیاسی بر جای خواهند گذارد. البته در جوامعی که دامنه شقوق انتخابی وسیع است، بروز این مشکلات و نارسایی‌هایی که این دو

عامل برای مردم به وجود می آورند، لزوماً به عدم مشارکت منتهی نمی شود؛ بلکه افراد، با تغییر گرایش های سیاسی خود، رو به سوی جناح هایی می برند که وعده اصلاح و حل مشکل را می دهند. اما در جامعه ما که دامنه شقوق انتخابی محدود است، بروز تورم و بیکاری و مشکلات حاصل از آن، موجب عدم مشارکت در انتخابات خواهد شد. البته این موضوعی است که باید به صورت تجربی مورد واریسی قرار گیرد. با واریسی تجربی فرضیات پژوهش است که مشخص می شود که چه مقدار از تنوری نوسازی، قابلیت تبیین فرایند مشارکت سیاسی و مشارکت در انتخابات را در ایران دارد.

پیش فرض های تحقیق

در این پژوهش چند پیش فرض مورد نظر قرار گرفته است. به نظر نگارنده روابطی که توسط این پیش فرضها عنوان شده است بر واقعیت فرایند مشارکت سیاسی و مشارکت مردم در انتخابات در ایران، جاری و صادق است. توضیح اینکه ۴ مورد اول از الویت بیشتری نسبت به سایر موارد برخوردار بوده، به گونه ای که بعضاً با نبود آنها، تأثیر گذاری سایر عوامل و موارد، جهت دیگری پیدا خواهد کرد.

- ۱- حقوق و آزادی های سیاسی که سیستم سیاسی در قالب قانون اساسی و یا هر شکل دیگری به افراد جامعه عطا کرده، نقش تعیین کننده مستقیم در مشارکت سیاسی افراد دارد.
- ۲- میزان مشروعیت سیستم سیاسی، نقش تعیین کننده مستقیم در میزان مشارکت سیاسی افراد دارد.
- ۳- وقوع بیگانگی سیاسی در هر شکل آن باعث کاهش مشارکت سیاسی افراد می شود.
- ۴- افزایش دامنه شقوق انتخابی و وجود و تعدد جناح های سیاسی نقش بسیار مؤثر بر افزایش میزان مشارکت سیاسی افراد دارد.
- ۵- کمیت و کیفیت احزاب و تشکل های سیاسی نقش بسیار مؤثر و مستقیم در میزان مشارکت سیاسی افراد دارد.
- ۶- کیفیت عملکرد نخبگان و رهبران سیاسی جامعه و میزان اعتماد بر مردم به آنان نقش بسیار مؤثر مستقیم بر میزان مشارکت سیاسی افراد دارد.

۷- در جوامع و کشورهایی که عامل ایدئولوژیک و یا مذهب نقش برجسته در ساختار سیاسی ایفا می‌کند، میزان گرایش افراد آن جامعه به ایدئولوژی و مذهب، نقش بسیار مؤثر مستقیم بر میزان مشارکت سیاسی افراد دارد.

فرضیه‌های تحقیق

با توجه به سؤال اصلی پژوهش و انتخاب چارچوب نظری تحقیق و تکیه بر رویکرد اجتماعی تئوری نوسازی فرضیه کلی ذیل شکل گرفت:

«عوامل اجتماعی و اقتصادی نقش برجسته و تعیین کننده‌ای بر میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری استان‌های کشور داشته است.»

در قالب فرضیه کلی فوق، با انتخاب برخی از متغیرهای اجتماعی و اقتصادی، چند فرضیه خرد بدین شرح شکل گرفت:

- با توجه به محدود بودن دامنه شقوق انتخابی برای مشارکت کنندگان در انتخابات:

۱- صنعتی شدن بر میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری استان‌های کشور تأثیر منفی داشته است.

۲- شهرنشینی بر میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری استان‌های کشور تأثیر مثبت داشته است.

۳- سواد بر میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری استان‌های کشور تأثیر مثبت داشته است.

۴- جنسیت بر میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری استان‌های کشور تأثیر گذار بوده است.

۴-۱- افزایش نسبت جنسی بر میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری استان‌های کشور تأثیر مثبت داشته است.

۵- بیکاری بر میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری استان‌های کشور تأثیر منفی داشته است.

۶- تورم بر میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری استان‌های کشور تأثیر منفی داشته است.

روش شناسی

نوع روش تحقیق

روش پژوهشی در این تحقیق، روش تطبیقی (از نوع طولی) می‌باشد. در این روش به مقایسه واحدهای اجتماعی (در اینجا واحدهای زمانی) مورد نظر پژوهش پرداخته شده است. ضمن بررسی مشابهت‌ها و تفاوت‌ها، روند و چگونگی تغییرات و تحولات پدیده مورد مطالعه، از نظر دور نمانده است. در این پژوهش روند نوسان و تغییرات میزان مشارکت مردم در شش دوره انتخابات ریاست جمهوری از سال ۱۳۵۸ الی ۱۳۷۲ مورد بررسی قرار گرفته و نشان داده شده است که هر دوره نسبت به دوره قبل و بعد خود از چه ویژگی‌هایی برخوردار بوده (میزان کمی مشارکت و نقش متغیرهای اجتماعی - اقتصادی در این زمینه) و روند تغییرات و کاهش و افزایش از چه الگویی پیروی کرده است. و سرانجام در یک تحلیل کلی چند متغیره، نقش متغیرهای مستقل در تبیین میزان مشارکت مردم در انتخابات به عنوان متغیر وابسته و میزان آن بررسی شده است.

مطالعه تطبیقی موجود، حاصل از روش بررسی اسنادی است، که ضمن توصیف و تحلیل به بیان همبستگی‌های بین متغیرها و تشریح و تبیین و پیش‌بینی‌های لازم می‌پردازد.

روش گردآوری اطلاعات

در جمع‌آوری اطلاعات از تکنیک بررسی کتابخانه‌ای (تحلیل محتوای کیفی) شامل کتب، مقالات، تحقیقات، پایان‌نامه‌ها و ... فارسی و لاتین و داده‌های اسنادی ثانویه (دست دوم) برآمده از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در طی شش دوره و دیگر داده‌های اسنادی از سازمان‌های ذی ربط (برنامه و بودجه، مرکز آمار ایران، بانک مرکزی و...) استفاده شده است.

جامعه آماری

واحد تحلیل در این پژوهش استان و جامعه آماری مورد نظر شامل کلیه داده‌های اسنادی در ۲۴ استان کشور در طی شش دوره انتخابات ریاست جمهوری می‌باشد.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

محاسبات آماری این پژوهش شامل موارد زیر است:

- ۱- محاسبه و تحلیل فراوانی و درصد داده‌ها
 - ۲- محاسبه و تحلیل ضرایب همبستگی
 - ۳- محاسبه و تحلیل رگرسیون چند متغیری
- همراه با رسم جداول (یک بعدی، دو بعدی و ..) و نمودار (پلات) مورد نیاز.

تعاریف نظری و عملیاتی برخی از مفاهیم و متغیرها صنعتی شدن^۱

صنعتی شدن تجهیز یک شهر و یا یک منطقه از نظر صنعتی است. در سطح یک کشور به معنای گذشتن از مرحله فعالیت‌های زراعی است که تا پیدایی فرایند صنعت اساسی شناخته می‌شود، و دستیابی به فعالیت‌های صنعتی، یعنی مجموعه فنون و حرفی که مواد اولیه را در جهت انطباق^۲ با نیازهای انسانی مورد استفاده قرار می‌دهند، به استثنای امور مربوط به فعالیت‌های کشاورزی (بیرو، ۱۳۶۷، صص ۱۷۳-۱۷۲).

تعریف عملی. در تعریف عملی میزان صنعتی شدن، مدنظر قرار گرفته است که از نسبت افراد شاغل در بخش صنعت بر کلیه شاغلین به دست می‌آید. محقق در جهت دستیابی به میزان صنعتی شدن شاخص‌های دیگری چون میزان تولید فرآورده‌های صنعتی، ارزش ریالی فرآورده‌های صنعتی و ارزش افزوده بخش صنعت در استان‌ها را مورد نظر قرار داده بود، ولی به علت ناکافی و ناقص بودن اطلاعات مورد نیاز امکان استفاده از آنها میسر نشد.

1- Industrialization

2- Adaptation

شهرنشینی^۱

شهرنشینی فرایند یا پدیده‌ای است که به همراه آن جمعیت شهری، مخصوصاً با کاهش جمعیت روستایی، فزونی می‌یابد، این پدیده را نباید با تمرکز شهری، که تراکم^۲ جمعیت در فضای شهری را می‌رساند، یکسان شمرد.

شناخت نتایج اجتماعی شهرنشینی و دگرگونی‌های اجتماعی - فرهنگی ناشی از آن در ارتباط با دنیا فنون و پدیده‌هایی دیگر چون فرآیند صنعتی شدن، تقسیم کار اجتماعی است. مع هذا، همه می‌پذیرند که حیات شهری، پیدایی گرایش‌های عقیدتی بسیار، نفوذ در رفتار، ارجحیت گروه‌های ثانوی یا کارکردی بر گروه‌های اولیه و ... را تقویت می‌کند (بیرو، ۱۳۶۷، صص ۴۴۲-۴۴۰)

تعریف عملی. در تعریف عملی از میزان شهرنشینی استفاده می‌شود. این میزان با محاسبه میزان گرایش مثبت در تقسیم جمعیت شهری بر کل جمعیت در یک زمان خاص به دست می‌آید.

سواد^۳

سواد عبارت است از توانایی افراد در خواندن و نوشتن (گیدنز، ۱۳۷۳، ص ۸۰۴).

تعریف عملی. در تعریف عملی از میزان سواد که از نسبت افراد با سواد جمعیت شش سال به بالا به کل جمعیت به دست می‌آید، استفاده شده است.

جنسیت^۴

جنسیت عبارتست از انتظارات اجتماعی در مورد رفتاری که برای اعضای هر جنس مناسب دانسته شود. جنسیت به ویژگی‌های اجتماعی رفتار مردانه و زنانه مربوط می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۳، ص ۷۸۰)

1-Urbanization or Urbanism

2- Density

3- Literacy

4- Gender

تعریف عملی. در جهت تعریف عملی از نسبت جنسی که از تقسیم تعداد مردان بر تعداد زنان به دست می‌آید، استفاده شده است.

تورم^۱

در فرهنگ علوم اقتصادی تورم حالت ترقی^۲ شدید و نسبتاً آنی سطح قیمت‌ها تعریف شده است. پروفسور «جون راینسون» اقتصاددان معروف انگلیسی تورم را نوعی افزایش نامحدود و نامنظم قیمت‌ها می‌داند و طرفداران نظریه مقداری پول، تورم را حالت افزایش پول در جریان به صورت عمل بالا رفتن سطح قیمت‌ها تشخیص داده‌اند. «پل ساموئلسن» اقتصاددان معروف آمریکایی معتقد است تورم شامل دورانی می‌شود که قیمت کالاها و خدمات و عوامل تولید به طور کلی ترقی نماید. از این تعاریف می‌توان چنین نتیجه گرفت که تورم عبارت است از افزایش بی‌رویه و همه‌جانبه قیمت‌های کالاها، خدمات و عوامل تولید (طلوع شمس، ۱۳۵۸، ص ۲۲۱).

در تعریفی دیگر، تورم ناشی از وضعیتی دانسته شده که سطح عمومی قیمت‌ها به طور بی‌رویه و یا بی‌تناسب و به طور مداوم و به مرور زمان افزایش می‌یابد. بر حسب این تعریف هر گاه، افزایش نسبی قیمت‌ها بیشتر از افزایش متوسط بهره‌وری یا محصول نهایی کار و افزایش درصدی نرخ دستمزد پولی ناشی از آن باشد، تورم به مفهوم واقعی خود به وجود می‌آید، زیرا دستمزد واقعی کاهش می‌یابد و در وضع عدم تعادل در حدی قرار می‌گیرد که از سطح محصول نهایی کار کمتر است (تفضلی، ۱۳۶۸، صص ۴۴۰-۴۳۹).

آلن بیرونیز عنوان نموده است، تورم فزونی تقاضای متکی بر پرداخت نقدی با پول است، بر عرضه کالاهایی که با توجه به هزینه‌های تمام شده ارزیابی شده باشند. افزایش عمومی قیمت‌ها از این شرایط ناشی می‌شود. این ارتقاء در قیمت‌ها علت تورم نیست، بلکه نتیجه آن است و از این واقعیت منشاء می‌گیرد که عرضه کالاها در حدی نیست که بتواند به تقاضای خریدارانی که امکان پرداخت دارند، پاسخ دهد (بیرو، ۱۳۶۷، ص ۱۷۵).

1- Inflation

2- Progress

تعریف عملی. در جهت تعریف عملی از تورم، از شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری استفاده شده است. توضیحاً اینکه از تقاضای شاخصی کل کالاها و خدمات مصرفی در هر سال نسبت به سال قبل، میزان تورم در سال مورد نظر به دست می‌آید. نکته دیگر اینکه به این علت از شاخص مربوطه در مناطق شهری استفاده شده، چون در مناطق روستایی، بررسی صورت نگرفته است.

بیکاری^۱

بیکاری به توقف^۲ طولانی کار به علل گوناگون اطلاق می‌شود. در زبان محاوره بیکاری توقف اجباری کار توسط کارگران یا مزدبگیران را می‌رساند، خواه به جهت پیدا نکردن کار، خواه به دلیل اخراج آنها از محل کار قبلی، انواع بیکاری شامل بیکاری دوری، بیکاری فصلی، بیکاری فنی و بیکاری پنهان می‌باشد (بیرو، ۱۳۶۷، ص ۴۳۹).

تعریف عملی. در تعریف عملی بیکاری از میزان بیکاری که از تقسیم افراد بیکار به کل جمعیت حاصل می‌شود.

- تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات

- داده‌ها و اطلاعات مربوط به متغیر وابسته

اطلاعات مربوط به متغیر وابسته در این پژوهش - میزان مشارکت مردم در انتخابات - از طریق اداره کل انتخابات وزارت کشور، روزنامه‌های کثیرالانتشار و مرکز آمار ایران حاصل شده است.

قبل از ارائه توزیع میزان آراء مردم در انتخابات شش دوره ریاست جمهوری به تفکیک استان‌های کشور، به اطلاعات حاصله از برخی انتخابات برگزار شده پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در واحد تحلیل کشور، برحسب جدول شماره (۵-۱) اشاره می‌شود.

1- Unemployment

2- Stop

بیشترین میزان شرکت مردم درانتخابات، مربوط به همه پرسی تغییر رژیم به میزان ۱۰۴ درصد، همه پرسی قانون اساسی به میزان ۷۸ درصد، دومین دوره انتخابات ریاست جمهوری به میزان ۷۱/۵۵ درصد و انتخابات دوره اول ریاست جمهوری به میزان ۶۸/۹۲ درصد بوده است. نکته قابل ذکر اینکه در انتخابات همه پرسی تغییر رژیم به علت رأی مجدد افراد و یا استفاده از شناسنامه‌های باطله، میزان آراء از ۱۰۰ درصد ممکن نیز تجاوز کرده است.

کمترین میزان مشارکت مردم در انتخابات مربوط به انتخابات مجلس خبرگان تعیین رهبر، به میزان ۴۳ درصد در سال ۶۹، دوره ششم انتخابات ریاست جمهوری به میزان ۵۲/۷۵ درصد و چهارمین دوره انتخابات ریاست جمهوری به میزان ۵۳/۲۵ درصد بوده است.

جدول شماره (۵-۱). توزیع برخی از انتخابات برگزار شده پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران

عنوان انتخابات	تاریخ برگزاری	تعداد رأی دهندگان	نسبت رأی دهندگان به افراد واجد شرایط (درصد)
همه پرسی تغییر رژیم	۱۳۵۸/۱/۱۲	۲۰۳۰۹۳۹۵	۱۰۴
مجلس خبرگان برسی نهایی قانون اساسی	۵۸/۵/۱۲	۱۰۷۹۸۲۳۱	۵۵
همه پرسی قانون اساسی	۵۸/۹/۱۲	۱۵۶۹۰۱۴۲	۷۸
اولین انتخابات ریاست جمهوری	۵۸/۱۱/۵	۱۴۰۸۵۲۴۳	۶۸/۹۲
اولین دوره مجلس شورای اسلامی	۵۸/۱۲/۲۴	۱۰۸۷۴۴۷۰	۵۴
دومین انتخابات ریاست جمهوری	۶۰/۵/۲	۱۴۵۳۲۸۶۹	۶۴/۹۶
سومین انتخابات ریاست جمهوری	۶۰/۷/۱۰	۱۶۷۳۷۳۸۱	۷۱/۵۵
مجلس خبرگان تعیین رهبری	۶۱/۹/۱۹	۱۵۱۴۲۶۸۱	۶۸
دومین دوره مجلس شورای اسلامی	۶۳/۱/۲۶	۱۵۴۸۲۵۲۳	۶۶
چهارمین انتخابات ریاست جمهوری	۶۴/۵/۲۵	۱۴۰۸۹۴۶۸	۵۳/۲۵
سومین دوره مجلس شورای اسلامی	۶۷/۱/۱۹	۱۷۰۰۴۴۰۳	۶۳
همه پرسی بازنگری قانون اساسی	۶۸/۵/۶	۱۶۳۷۵۴۲۸	۵۴/۲۱
پنجمین انتخابات ریاست جمهوری	۶۸/۵/۶	۱۶۴۱۱۳۳۷	۵۴/۳۳
مجلس خبرگان تعیین رهبر	۶۹/۷/۱۶	۱۱۶۲۰۲۶۱	۴۳
ششمین انتخابات ریاست جمهوری	۷۲/۳/۲۱	۱۶۷۹۶۷۸۶	۵۲/۷۵

میزان شرکت مردم درانتخابات ریاست جمهوری ازدوره اول تا ششم بدین شرح بوده است:

دوره اول به میزان ۶۸/۹۲ درصد، دوره دوم ۶۴/۹۶ درصد، دوره سوم ۷۱/۵۵ درصد، دوره چهارم ۵۳/۲۵ درصد، دوره پنجم ۵۴/۳۳ درصد، دوره ششم ۵۲/۷۵ درصد.

با نگاه کلی به توزیع میزان آراء مردم در انتخابات پس از پیروزی انقلاب اسلامی به صورت عام و انتخابات ریاست جمهوری به صورت خاص مشخص می شود که تغییرات حاصله به صورت کامل خطی نبوده و توزیع میزان آراء از نوسان- کاهش یا افزایش - برخوردار بوده ولی در مجموع روند توزیع آراء جهت گیری نزولی داشته است.

جدول شماره (۵-۲). توزیع میزان آراء مردم در انتخابات دوره اول ریاست جمهوری را به تفکیک استان های کشور ارائه کرده است.

استان های یزد با میزان آراء ۸۵/۸۷ درصد، مرکزی با ۷۹/۲۶ درصد، همدان با ۷۸/۹۳ درصد و فارس با ۷۷/۷۹ درصد، بیشترین میزان شرکت در این دوره از انتخابات را به خود اختصاص داده اند؛ در مقابل استان کردستان با ۱۲/۸۸ درصد، سیستان و بلوچستان با ۳۶/۶۹ درصد و آذربایجان غربی با ۴۱/۳۷ درصد، کمترین میزان شرکت در انتخابات این دوره را به خود اختصاص داده اند.

جدول شماره (۵-۳). توزیع میزان آرای مردم در انتخابات دوره دوم ریاست جمهوری را به تفکیک استان های کشور ارائه کرده است.

استان های لرستان با میزان آراء ۸۸/۳۰ درصد، مرکزی با ۸۶/۸۸ درصد، زنجان با ۸۳/۲۳ درصد، یزد با ۸۱/۴۲ درصد و ایلام با ۸۱/۳۳ درصد، بیشترین میزان شرکت در انتخابات را داشته اند. در مقابل استان های سیستان و بلوچستان با ۳۰/۳۷ درصد، کردستان با ۴۵/۳۱ درصد، آذربایجان غربی با ۴۷/۲۸ درصد، تهران با ۴۸/۲۸ درصد و خوزستان با ۴۹/۳۲ درصد کمترین میزان شرکت در انتخابات را داشته اند.

جدول شماره (۵-۲). توزیع میزان آرای مردم در انتخابات دوره اول ریاست جمهوری به

تفکیک استان‌های کشور (۵۸/۱۱/۵)

استان	تعداد رأی دهندگان	جمعیت در معرض شرکت در انتخابات	نسبت رأی دهندگان به افراد واجد شرایط (درصد)
آذربایجان شرقی	۹۸۵۳۱۵	۱۸۳۴۴۶۹	۵۳/۷۱
آذربایجان غربی	۲۳۵۵۶۹	۸۱۰۹۷۷۴	۴۱/۳۷
اصفهان	۱۱۱۰۸۰۱	۱۵۵۵۹۲۰	۷۱/۳۹
ایلام	۹۷۲۰۲	۱۳۴۳۹۴	۷۲/۳۲
بوشهر	۱۵۷۵۳۸	۲۱۰۳۵۴	۷۴/۸۹
تهران	۳۰۰۲۵۳۹	۴۱۳۱۷۱۰	۷۲/۶۷
چهارمحال و بختیاری	۱۳۵۷۰۹	۲۱۵۷۱۹	۶۲/۹۱
خراسان	۱۳۶۹۶۴۰	۱۹۴۳۶۸۹	۷۰/۴۶
خوزستان	۹۲۰۷۶۸	۱۱۸۴۳۹۳	۷۷/۷۴
زنجان	۴۸۱۷۲۲	۶۵۰۲۹۱	۷۵/۱۵
سمنان	۱۵۱۲۱۳	۲۶۱۰۷۸	۷۵/۹۱
سیستان و بلوچستان	۱۴۳۲۴۹	۳۹۰۳۹۸	۳۶/۶۹
فارس	۹۳۱۲۴۴	۱۱۹۷۱۱۳	۷۷/۷۹
کردستان	۵۹۱۰۰	۴۵۸۵۴۳	۱۲/۸۸
کرمانشاه	۳۳۷۵۹۱	۶۰۲۴۴۳	۵۶/۰۳
کهکلیویه و بویراحمد	۹۶۵۲۶	۱۳۱۰۶۲	۷۳/۶۴
کرمان	۴۵۲۵۱۱	۶۳۸۲۴۳	۷۰/۸۹
گیلان	۵۸۰۴۳۶	۹۲۴۵۱۲	۶۲/۷۸
لرستان	۳۸۸۴۶۱	۵۱۶۹۱۲	۷۵/۱۵
مازندران	۹۳۸۲۸۰	۱۳۸۱۲۲۷	۶۸/۵۷
مرکزی	۵۳۷۷۲۳	۶۷۸۳۸۱	۷۹/۲۶
هرمزگان	۱۷۹۷۶۳	۲۸۶۸۳۵	۶۲/۶۷
همدان	۴۹۶۲۵۲	۶۲۸۷۲۲	۷۸/۹۳
یزد	۱۸۸۰۹۲	۲۱۹۰۲۶	۸۵/۸۷

نسبت به دوره اول، در ۱۳ استان کشور با افزایش میزان شرکت مردم در انتخابات و در مقابل در ۱۱ استان با کاهش شرکت مردم در انتخابات روبرو بوده‌ایم؛ که از جمله می‌توان به کاهش میزان آرای مردم در استان تهران به میزان ۲۴ درصد و ۱۸ درصد در استان خوزستان اشاره کرد. که میانگین کل نیز به میزان ۳/۹ درصد با کاهش شرکت مردم در انتخابات را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۵-۴). توزیع میزان آرای مردم در انتخابات دوره سوم ریاست جمهوری را به تفکیک استان‌های کشور ارائه کرده است.

استان‌های همدان با میزان آراء ۸۹/۶۰ درصد، زنجان با ۸۷/۵۶ درصد، مرکزی با ۸۶/۸۳ درصد، کرمان با ۸۴/۹۰ درصد و ایلام با ۸۳/۵۶ درصد بیشترین میزان شرکت در انتخابات را به خود اختصاص داده‌اند. در مقابل استان‌های سیستان و بلوچستان با ۴۶/۳۳ درصد، کردستان با ۴۸ درصد، خوزستان با ۵۶/۱۴ درصد و آذربایجان غربی با ۵۷/۸۵ درصد، کمترین میزان شرکت در انتخابات را داشته‌اند.

نسبت به دور دوم، در ۱۷ استان، میزان آراء افزایش و در ۷ استان کاهش یافته است. در میانگین کل نیز یک افزایش ۶/۵۹ درصدی صورت گرفته است؛ یعنی میزان آراء از ۶۴/۹۶ درصد در دوره دوم به ۷۱/۵۵ درصد در دوره سوم افزایش یافته است.

جدول شماره (۵-۵) توزیع میزان آرای مردم در انتخابات دوره چهارم ریاست جمهوری را به تفکیک استان‌های کشور ارائه نموده است.

استان‌های ایلام با میزان آراء ۷۲/۷۰ درصد، لرستان با ۶۹/۰۱ درصد، کهگیلویه و بویراحمد با ۶۶/۵۶ درصد، سمنان با ۶۶/۰۶ درصد و یزد با ۶۵/۹۰ درصد بیشترین میزان آراء را به خود اختصاص داده‌اند. در مقابل استان‌های سیستان و بلوچستان با ۳۱/۶۴ درصد، گیلان با ۴۴/۵۱ درصد، هرمزگان با ۴۵/۶۴ درصد، کرمانشاه با ۴۵/۷۱ درصد و تهران با ۴۷/۶۴ درصد کمترین میزان شرکت در انتخابات را داشته‌اند.

جدول شماره (۵-۳). توزیع میزان آرای مردم در انتخابات دوره دوم ریاست جمهوری به تفکیک

استان‌های کشور (۶۰/۵/۲).

استان	تعداد رأی دهندگان	جمعیت در معرض شرکت در انتخابات	نسبت رأی دهندگان به افراد واجد شرایط (درصد)
آذربایجان شرقی	۱۲۰۲۰۰۵	۱۸۶۴۹۸۲	۶۴/۴۵
آذربایجان غربی	۴۱۱۰۸۸	۸۶۹۳۲۵	۴۷/۲۸
اصفهان	۱۱۸۸۳۵۵	۱۵۷۴۰۷۸	۷۵/۴۹
ایلام	۱۲۰۴۸۰	۱۴۸۱۳۱	۸۱/۳۳
بوشهر	۱۶۴۰۱۰	۲۴۳۶۴۶	۶۷/۳۱
تهران	۲۱۰۵۴۸۸	۴۳۶۰۹۶۹	۴۸/۲۸
چهارمحال و بختیاری	۱۷۱۵۰۹	۲۴۵۹۹۸	۶۹/۷۱
خراسان	۱۵۴۹۸۶۸	۲۲۰۱۱۴۴	۷۰/۴۱
خوزستان	۵۸۲۹۵۶	۱۱۸۱۸۸۳	۴۹/۳۲
زنجان	۵۷۲۹۸۳	۶۸۸۳۹۸	۸۳/۲۳
سمنان	۱۶۹۳۶۵	۲۵۳۳۹۰	۶۶/۸۳
سیستان و بلوچستان	۱۳۶۲۹۰	۴۴۸۷۳۲	۳۰/۳۷
فارس	۹۸۴۸۳۷	۱۳۴۸۲۶۳	۷۳/۰۴
کردستان	۲۱۲۸۸۴	۴۶۹۸۳۰	۴۵/۳۱
کرمانشاه	۳۵۲۳۲۲	۶۴۳۶۲۵	۵۴/۷۴
کهکلوویه و بویراحمد	۱۰۷۶۲۴	۱۵۲۰۲۸	۷۰/۷۹
کرمان	۵۱۸۲۹۴	۶۸۷۵۸۷	۷۵/۳۷
گیلان	۶۴۳۴۶۱	۹۷۹۹۵۰	۶۵/۶۶
لرستان	۴۶۱۹۶۱	۵۵۴۳۴۸	۸۸/۳۰
مازندران	۱۱۳۵۸۸۰	۱۵۰۸۱۹۵	۷۵/۳۱
مرکزی	۶۲۴۷۶۷	۷۱۹۰۶۰	۸۶/۸۸
هرمزگان	۱۶۱۵۹۱	۳۱۳۹۸۳	۵۱/۴۶
همدان	۵۱۰۸۹۹	۶۶۳۵۰۰	۷۷/۰۰
یزد	۲۰۲۹۹۲	۲۴۹۲۹۰	۸۱/۴۲

نسبت به دوره سوم فقط در دو استان با افزایش میزان آراء رو به رویم و در ۲۲ استان دیگر میزان آراء کاهش یافته است. این کاهش آراء در استان‌های فارس، آذربایجان شرقی، کرمان، همدان، مرکزی، گیلان، اصفهان و تهران به ترتیب به میزان ۳۱ درصد، ۳۰ درصد، ۳۰ درصد، ۲۱ درصد و ۱۳ درصد می‌باشد.

در میانگین کل نیز، میزان آراء با ۱۸/۳ درصد کاهش رو به رو بود. و از ۷۱/۵۵ درصد به ۵۳/۲۵ درصد تنزل یافته است.

جدول شماره (۵-۶). توزیع میزان آرای مردم در انتخابات دوره پنجم ریاست جمهوری را به تفکیک استان‌های کشور ارائه کرده است.

استان‌های کرمانشاه با میزان آراء ۷۵/۶۶ درصد، کهگیلویه و بویر احمد با ۶۸/۶۳ درصد، و یزد با ۶۶/۶۴ درصد، بیشترین میزان آراء را به خود اختصاص داده‌اند. در مقابل استان‌های تهران با ۳۰/۵۴ درصد، خوزستان با ۳۵/۷۲ درصد، سیستان و بلوچستان با ۴۰/۱۳ درصد و کردستان با ۷۸/۴۱ درصد کمترین میزان آراء را داشته‌اند.

نسبت به دوره چهارم در ۱۳ استان میزان آراء افزایش پیدا کرده و در مقابل در ۱۱ استان با کاهش رو به رو بوده است. از جمله مقادیر افزایش‌ها می‌توان به افزایش ۳۰ درصد در استان کرمانشاه و مقادیر کاهش‌ها می‌توان به کاهش ۲۲ درصدی در استان خوزستان و کاهش ۱۷ درصد در استان تهران اشاره نمود.

در میانگین کل نسبت به دور قبل یک افزایش ۱/۰۸ درصدی دیده می‌شود یعنی میزان آراء از ۵۳/۲۵ درصد به ۵۴/۳۳ درصد افزایش یافته است.

جدول شماره (۵-۴). توزیع میزان آرای مردم در انتخابات دوره سوم ریاست جمهوری به

تفکیک استان‌های کشور (۶۰/۷/۱۰)

استان	تعداد رأی دهندگان	جمعیت در معرض شرکت در انتخابات	نسبت رأی دهندگان به افراد واجد شرایط (درصد)
آذربایجان شرقی	۱۵۲۴۴۶۳	۱۹۵۲۴۳	۷۸/۰۰
آذربایجان غربی	۵۲۶۶۷۱	۹۱۰۲۹۸	۵۷/۸۵
اصفهان	۱۲۴۳۰۶۸	۱۶۵۱۷۱۵	۷۵/۲۵
ایلام	۱۲۹۶۵۵	۱۵۵۱۵۱	۸۳/۵۶
بوشهر	۱۸۶۷۲۷	۲۵۴۳۹۹	۷۳/۳۹
تهران	۲۷۵۲۱۵۱	۴۵۲۲۳۳۳	۶۰/۸۵
چهارمحال و بختیاری	۱۸۴۰۹۷	۲۵۸۲۶۹	۷۱/۲۸
خراسان	۱۶۶۸۱۶۸	۲۳۰۲۹۸۷	۷۲/۴۳
خوزستان	۶۹۷۳۵۳	۱۲۴۲۰۵۹	۵۶/۱۴
زنجان	۶۳۰۵۳۸	۷۲۰۱۰۹	۸۷/۵۶
سمنان	۱۷۷۷۱۴	۲۶۴۲۷۹	۶۷/۲۴
سیستان و بلوچستان	۲۱۷۶۸۴	۴۶۹۸۰۴	۴۶/۳۳
فارس	۱۲۰۷۶۹۳	۱۴۱۰۵۵۴	۸۵/۶۱
کردستان	۲۳۵۹۸۰	۴۹۱۵۷۶	۴۸/۰۰
کرمانشاه	۴۱۳۵۸۶	۶۷۴۶۵۸	۶۱/۳۰
کهکلوئیه و بویراحمد	۱۲۶۵۹۲	۱۶۰۲۳۲	۷۹/۰۰
کرمان	۶۱۰۴۱۵	۷۱۸۹۴۲	۸۴/۹۰
گیلان	۶۶۱۱۹۲	۱۰۲۸۵۷۳	۶۴/۲۸
لرستان	۴۷۰۰۸۵	۵۸۳۷۹۷	۸۰/۵۲
مازندران	۱۱۱۴۲۱۳	۱۵۸۰۲۱۸	۷۰/۵۱
مرکزی	۶۵۵۱۷۴	۷۵۴۵۲۰	۸۶/۸۳
هرمزگان	۲۰۵۶۴۴	۳۲۷۱۹۷	۶۲/۸۵
همدان	۶۲۳۶۱۸	۶۹۵۹۶۴	۸۹/۶۰
یزد	۲۱۰۹۷۲	۲۵۹۹۹۸	۸۱/۱۴

جدول شماره (۵-۵). توزیع میزان آرای مردم در انتخابات دوره چهارم ریاست جمهوری به

تفکیک استان‌های کشور (۶۴/۵/۲۵)

استان	تعداد رأی دهندگان	جمعیت در معرض شرکت در انتخابات	نسبت رأی دهندگان به افراد واجد شرایط (درصد)
آذربایجان شرقی	۱۰۵۳۴۴۳	۲۱۵۴۷۳۳	۴۸/۸۸
آذربایجان غربی	۵۵۲۴۲۴	۱۰۳۵۳۹۳	۵۳/۳۵
اصفهان	۹۹۳۱۹۳	۱۸۰۴۶۰۷	۵۵/۰۳
ایلام	۱۳۱۳۷۶	۱۸۰۶۹۶	۷۲/۷۰
بوشهر	۱۸۴۵۵۲	۳۰۲۳۶۶	۶۱/۰۲
تهران	۲۴۲۵۲۲۹	۵۰۹۰۱۹۳	۴۷/۶۴
چهارمحال و بختیاری	۱۸۳۹۴۶	۳۰۴۵۷۳	۶۰/۳۹
خراسان	۱۴۸۹۳۰۱	۲۶۹۹۰۶۴	۵۵/۱۷
خوزستان	۷۷۰۹۷۶	۱۳۴۷۸۷۱	۵۷/۱۹
زنجان	۴۹۹۹۰۸	۸۰۴۸۴۹	۶۲/۱۱
سمنان	۱۶۲۰۵۸	۲۴۵۲۸۹	۶۶/۰۶
سیستان و بلوچستان	۱۷۵۹۶۷	۵۵۶۰۱۰	۳۱/۶۴
فارس	۹۰۳۵۹۲	۱۶۴۶۹۲۰	۵۴/۸۶
کردستان	۲۸۰۴۵۱	۵۴۵۵۱۵	۵۱/۴۱
کرمانشاه	۳۵۰۱۸۷	۷۶۹۱۰۳	۴۵/۷۱
کهکلویه و بویراحمد	۱۲۶۶۵۶	۱۹۰۲۸۳	۶۶/۵۶
کرمان	۴۴۹۶۳۰	۸۱۹۸۵۲	۵۴/۸۴
گیلان	۵۱۵۰۵۰	۱۱۵۷۰۳۷	۴۴/۵۱
لرستان	۴۵۸۷۳۷	۶۶۴۷۳۷	۶۹/۰۱
مازندران	۹۹۰۸۲۵	۱۸۲۳۳۵۱	۵۴/۳۴
مرکزی	۵۵۳۳۱۴	۸۴۸۷۵۵	۶۵/۱۹
هرمزگان	۱۷۱۹۱۳	۳۷۶۶۵۳	۴۵/۶۴
همدان	۴۶۸۹۵۸	۷۸۴۶۷۶	۵۹/۷۶
یزد	۲۰۱۲۰۵	۳۰۵۲۹۵	۶۵/۹۰

جدول شماره (۵-۶). توزیع میزان آرای مردم در انتخابات دوره پنجم ریاست جمهوری به

تفکیک استان‌های کشور (۶/۵/۶۸)

استان	تعداد رأی دهندگان	جمعیت در معرض شرکت در انتخابات	نسبت رأی دهندگان به افراد واجد شرایط (درصد)
آذربایجان شرقی	۱۲۰۵۴۰۵	۲۳۷۷۶۵۹	۵۰/۶۹
آذربایجان غربی	۶۵۳۸۱۰	۱۱۸۲۲۵۱	۵۵/۳۰
اصفهان	۱۰۲۱۲۱۱	۲۰۱۱۸۹۰	۵۰/۷۵
ایلام	۱۳۰۵۸۹	۲۰۶۱۸۲	۶۳/۳۳
بوشهر	۲۱۷۹۱۳	۳۴۱۴۵۵	۶۳/۸۱
تهران	۱۷۵۱۳۷۳	۵۷۳۳۰۳۶	۳۰/۵۴
چهارمحال و بختیاری	۲۰۸۳۳۷	۳۵۸۰۳۸	۵۸/۱۸
خراسان	۱۶۶۶۹۵۰	۳۰۵۳۲۳۸	۵۴/۵۹
خوزستان	۸۰۶۸۰۳	۲۲۵۸۴۸۷	۳۵/۷۲
زنجان	۵۴۷۶۲۴	۹۰۸۴۵۹	۶۰/۲۸
سمنان	۱۸۳۷۶۶	۲۹۶۷۸۲	۶۱/۹۱
سیستان و بلوچستان	۲۶۰۰۵۱	۶۴۷۹۹۳	۴۰/۱۳
فارس	۱۰۸۷۵۰۲	۱۸۲۹۸۷۱	۵۹/۴۳
کردستان	۲۵۶۳۱۳	۶۱۳۴۷۸	۴۱/۷۸
کرمانشاه	۶۴۵۰۴۵	۸۵۲۵۰۵	۷۵/۶۶
کهگیلویه و بویراحمد	۱۵۲۷۱۹	۲۲۲۵۲۲	۶۸/۶۳
کرمان	۵۹۰۹۵۳	۹۲۹۹۰۶	۶۳/۵۴
گیلان	۷۱۳۳۵۸	۱۲۸۶۹۴۴	۵۵/۴۳
لرستان	۴۷۸۷۵۱	۷۳۸۱۵۲	۶۴/۸۵
مازندران	۱۲۳۸۹۹۱	۷۳۸۱۵۲	۶۴/۸۵
مرکزی	۳۹۹۰۳۳	۶۴۴۰۴۴	۶۱/۹۵
هرمزگان	۲۰۹۴۱۴	۴۳۷۷۷۱	۴۷/۸۳
همدان	۵۲۳۶۹۶	۸۶۲۹۸۸	۶۰/۶۸
یزد	۲۳۹۰۱۵	۳۵۸۶۲۷	۶۶/۶۴

جدول شماره (۵-۷). توزیع میزان آرای مردم در انتخابات دوره ششم ریاست جمهوری به تفکیک استان‌های کشور را ارائه نموده است.

استان‌های ایلام با میزان آراء ۶۹/۰۱ درصد، کهگیلویه و بویر احمد با ۶۸/۸۵ درصد، لرستان با ۶۷/۵۸ درصد و سمنان با ۶۷/۲۳ درصد، بیشترین میزان مشارکت در انتخابات را به خود اختصاص داده‌اند. در مقابل استان‌های اصفهان با ۴۳/۸۱ درصد، سیستان و بلوچستان با ۴۴/۷۵ درصد، آذربایجان شرقی با ۴۵/۸۰ درصد و استان گیلان با ۴۶/۹۴ درصد کمترین میزان مشارکت در انتخابات را به خود اختصاص داده‌اند.

نسبت به دوره قبل در ۹ استان میزان درصد آراء افزایش و در ۱۵ استان میزان آراء کاهش یافته است. در این میان می‌توان به افزایش ۱۹ درصدی استان تهران، افزایش ۱۶ درصدی استان کردستان، افزایش ۱۲ درصدی استان خوزستان و کاهش ۱۹ درصدی استان کرمانشاه اشاره کرد. در میانگین کل نیز میزان آراء با یک کاهش ۱/۵۷ درصدی رو به رو بوده است. یعنی از ۵۴/۳۳ درصد در دوره پنجم به ۵۲/۷۵ درصد در دوره ششم رسیده است.

بر حسب جدول شماره (۵-۸) بیشترین میزان همبستگی معنی‌دار بین دوره‌های انتخابات ریاست جمهوری بین دوره دوم و سوم به میزان ۰/۹۱ بوده که به فاصله دو ماه از یکدیگر در سال ۱۳۶۰ انجام گرفته است. کمترین میزان همبستگی نیز بین دوره‌های اول و ششم به میزان ۰/۲۴ بوده است.

ضرایب همبستگی موجود بین دوره اول تا دوره ششم به غیر از دوره سوم همگی سیر نزولی دارند که اگر دوره دوم و سوم را به صورت ترکیبی در نظر بگیریم چون این دو انتخابات در فاصله دو ماه از یکدیگر برگزار شده‌اند، همه ضرایب جهت نزولی خواهند داشت، که در برگیرنده کاهش مشارکت مردم در انتخابات طی این شش دوره است.

جدول شماره (۵-۷). توزیع میزان آرای مردم در انتخابات دوره ششم ریاست جمهوری به

تفکیک استان‌های کشور (۲۱/۳/۷۲).

استان	تعداد رأی دهندگان	جمعیت در معرض شرکت در انتخابات	نسبت رأی دهندگان به افراد واجد شرایط (درصد)
آذربایجان شرقی	۸۸۶۹۰۲	۱۹۳۶۰۶۲	۴۵/۸۰
آذربایجان غربی	۶۵۶۶۳۶	۱۲۹۱۷۳۴	۵۰/۸۳
اصفهان	۹۵۳۵۰۷	۲۱۷۶۱۴۶	۴۳/۸۱
ایلام	۱۵۹۴۷۷	۲۳۱۰۶۶	۶۹/۰۱
بوشهر	۲۱۹۶۳۶	۳۶۹۳۶۰	۵۹/۴۶
تهران	۳۰۳۸۸۸۵	۶۱۷۲۴۱۶	۴۹/۲۳
چهارمحال بختیاری	۲۰۵۷۰۷	۳۹۵۰۱۰	۵۲/۰۷
خراسان	۱۷۵۴۸۵۵	۳۳۰۱۶۶۸	۵۳/۱۵
خوزستان	۷۹۸۸۰۶	۱۶۸۱۶۱۴	۴۷/۵۰
زنجان	۵۶۰۱۴۸	۹۸۷۰۱۲	۵۶/۷۵
سمنان	۱۸۶۹۵۳	۲۷۸۰۴۶	۶۷/۲۳
سیستان و بلوچستان	۳۱۷۷۷۵	۷۰۹۹۹۲	۴۴/۷۵
فارس	۱۱۲۳۷۶۸	۱۹۵۰۰۴۸	۵۷/۶۲
کردستان	۳۸۱۷۹۰	۶۶۶۹۰۰	۵۷/۲۴
کرمانشاه	۵۱۰۰۸۲	۹۳۱۵۰۰	۵۴/۷۵
کهگیلویه و بویراحمد	۱۶۸۱۳۹	۲۴۴۱۸۸	۶۸/۸۵
کرمان	۵۷۵۷۷۱	۱۰۱۰۶۱۰	۵۶/۹۷
گیلان	۶۵۰۲۵۴	۱۳۸۵۱۰۰	۴۶/۹۴
لرستان	۵۳۵۳۳۳	۷۹۲۰۷۲	۶۷/۵۸
مازندران	۱۳۰۰۹۰۶	۲۲۱۹۲۳۸	۵۸/۶۱
مرکزی	۳۷۷۷۰۲	۶۹۲۵۵۰	۵۴/۵۳
هرمزگان	۲۵۴۹۴۰	۴۸۱۰۹۱	۵۲/۹۹
همدان	۵۰۶۳۶۱	۹۲۲۳۷۴	۵۴/۸۹
یزد	۲۴۷۷۵۱	۳۹۵۰۱۰	۶۲/۷۲

جدول شماره (۵-۸). ماتریس ضرایب همبستگی بین دوره‌های اول تا ششم ریاست جمهوری

دراستان‌های کشور

دوره‌های ریاست جمهوری	دوره اول	دوره دوم	دوره سوم	دوره چهارم	دوره پنجم	دوره ششم
دوره اول	۱	۰/۷۰	۰/۷۳	۰/۵۴	۰/۳۵	۰/۲۴
دوره دوم	۰/۷۰	۱	۰/۹۱	۰/۷۷	۰/۶۶	۰/۴۹
دوره سوم	۰/۷۳	۰/۹۱	۱	۰/۶۶	۰/۶۱	۰/۴۰
دوره چهارم	۰/۵۴	۰/۷۷	۰/۶۶	۱	۰/۵۳	۰/۷۵
دوره پنجم	۰/۳۵	۰/۶۶	۰/۶۱	۰/۵۳	۱	۰/۶۱
دوره ششم	۰/۲۴	۰/۴۹	۰/۴۰	۰/۷۵	۰/۶۱	۱

در اینجا تذکر نکاتی چند لازم است:

- ۱- داده‌های حاصل نشان می‌دهد که میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری طی شش دوره بین سال‌های ۷۲-۵۸ نوسان (کاهش یا افزایش) داشته است. اما در مجموع روند تغییرات در میزان مشارکت سیر نزولی داشته است.
- ۲- با توجه به اینکه میزان مشارکت مردم در دوره‌های اولیه انتخابات ریاست جمهوری در طی سالهای ۶۰-۵۸ بیشتر از دوره‌های چهارم به بعد بوده است؛ می‌توانیم نتیجه بگیریم این امر به واسطه شرایط حاد و بحرانی و پرتلاطم سال‌های اولیه انقلاب بوده و به مرور زمان و با تثبیت اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی این امر حالت معمول و نرمال خود را پیدا کرده است.
- ۳- میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری در استان‌هایی که نسبت افراد معتقد به مذهب شیعه اثنی عشری بیشتری از سایر مذاهب (اهل تسنن و مسیحیان و...) بوده، بیشتر از سایر استان‌ها بوده است. مقایسه استان‌های زنجان و کهگیلویه و بویر احمد که بیشترین میزان افراد شیعه مذهب را دارند با استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان و آذربایجان غربی که درصد قابل توجهی از جمعیت آنان را اهل تسنن و سایر مذاهب تشکیل می‌دهند مدعای این امر است.

۴- میزان مشارکت در انتخابات در استان‌های مرزی به ویژه در اوایل انقلاب که محل نفوذ گروه‌ها و گروهک‌های سیاسی بوده‌اند (از جمله در استان کردستان، سیستان و بلوچستان) کمتر از سایر استان‌ها بوده است.

۵- میزان مشارکت مردم در انتخابات در استان‌های کوچکتر که احتمالاً میزان شهرنشینی‌شان نیز پایین است، در مقایسه با استان‌های بزرگ که ضریب شهرنشینی‌شان بالاتر است، بیشتر است. (مقایسه استان‌های ایلام، کهگیلویه و بویر احمد، همدان، یزد با استان‌های تهران، اصفهان، خوزستان، آذربایجان شرقی).

نتیجه گیری؛ آزمون فرضیات

این پژوهش در جهت بررسی میزان مشارکت مردم در شش دوره انتخابات ریاست جمهوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفته است. سؤال اصلی پژوهش این بوده است: «کمیت و وضعیت مشارکت مردم در انتخابات شش دوره ریاست جمهوری چگونه بوده است؟ عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر افزایش و یا کاهش در میزان مشارکت مردم در انتخابات کدام است؟»

با توجه به اینکه هر تحقیق اجتماعی بخش محدودی از واقعیت را مورد بررسی قرار می‌دهد، در این پژوهش با تمرکز بر جنبه‌های جامعه‌شناختی مشارکت مردم در انتخابات به واری‌های برخی از متغیرهای اجتماعی، اقتصادی پرداخته شده است.

در این زمینه پس از طرح مسأله، اهداف و ضرورت‌های پژوهش در فصل پیشینه و تاریخی به توصیف و جمع‌بندی نتایج برخی از پژوهش‌های صورت گرفته در داخل و خارج در زمینه مشارکت سیاسی و مقوله خردتر آن مشارکت در انتخابات و زمینه‌های وابسته آن توسعه سیاسی و نوسازی سیاسی و رابطه این دو با تشکلهای سیاسی از جمله احزاب و ... پرداخته شده است. نگارنده در جهت تبیین و تشریح مسأله پژوهش چارچوب تئوریک تحقیق، تدوین نموده است.

در بخش مبانی نظری پژوهش دو مبحث اساسی و مادر در زمینه مشارکت سیاسی، یعنی دو مبحث دموکراسی و توسعه سیاسی مورد کنکاش قرار گرفته است. دموکراسی و نوع و چگونگی

آن تأثیر تعیین کننده‌ای بر چگونگی مشارکت سیاسی مردم از جمله مشارکت در انتخابات دارد. تمرکز اصلی دموکراسی به تفویض قدرت به افراد هر جامعه (به عنوان شهروند) می‌باشد که با جلوگیری از تمرکز قدرت در دست یک فرد یا گروه، زمینه مشارکت هر چه بیشتر را برای افراد هر جامعه فراهم می‌کند. در یک دموکراسی رأی بهترین وسیله شهروند است تا افکار و عقاید خود را نشان دهد و تأثیر خود را بر امور عمومی، اعمال نماید و با گزینش دقیق فرمانروایان احترام به آزادی‌هایش را تضمین کند. به عبارت دیگر حقوق شهروندان به ویژه در انتخابات به نیکی روشن می‌شود. در این زمینه ضمن اشاره به برخی از انواع دموکراسی و تفسیرهای مربوطه به ذکر نارسایی‌های دموکراسی نیز پرداخته شد. از جمله اینکه دموکراسی توانسته نابرابری‌های اجتماعی و سیاسی را از میان بردارد؛ اما با این وجود اذعان شد، اندیشه دموکراسی در تنظیم قدرت سیاسی، هنوز به عنوان یکی از بهترین اندیشه‌ها و سیاست‌ها تلقی می‌شود. در بررسی دموکراسی در ایران، به این نکته اشاره کردیم، که دموکراسی موجود در ایران مشروط بوده و نظام سیاسی ایران، هیچگاه دموکراسی را در شکل مطلق، همه جانبه و کثرت گرا مورد پذیرش قرار نداده و این امر در اصول قانون اساسی کاملاً مشهود است. از تبعات اولیه دموکراسی مشروط، رعایت و حفظ اصول و قواعد بنیادی در سیستم سیاسی ماست که منبث از اندیشه‌های حکومت اسلامی و ولایت فقیه می‌باشد.

با توجه به چندگانگی جامعه و تفاوت در الگوهای فکری و نگرشی افراد در بین اقشار گوناگون، وجود دموکراسی مشروط از پیوستن افراد و گروه‌هایی که خود را ملتزم به آن اصول بنیادی فکری و نگرشی نمی‌دانند، جلوگیری می‌کند و این خود از مشارکت سیاسی گسترده و همه جانبه، از جمله مشارکت در انتخابات می‌کاهد.

توسعه سیاسی یکی دیگر از مباحثی بود که به عنوان مبنای فرآیند مشارکت سیاسی به آن اشاره شد. این مبحث اشاره به این مطلب دارد که رشد و توسعه مشارکت سیاسی باید همگام با سایر بخش‌ها، ابعاد و اجزای موجود در سیستم سیاسی باشد. نهادمندی سیستم سیاسی، وجود تشکل‌ها، انجمن‌ها، سازمان‌ها و نهادهای شدن کنش‌های سیاسی از جمله این موارد هستند.

در بخش تئوری‌های پژوهش به توصیف و تشریح تئوری‌نوسازی و رویکردهای گوناگون آن پرداخته شد. در این زمینه به انواع و اشکال‌نوسازی سیاسی اشاره شده، رویکردهای اجتماعی و اقتصادی، فرهنگی، روانشناختی، سیاسی و... مورد توصیف و تحلیل قرار گرفته است.

ذکر این نکته لازم است که تئوری‌نوسازی در برابر تئوری‌های رقیبی چون وابستگی و سیستم جهانی قرار دارد. در تئوری‌نوسازی ضمن توجه به عناصر گوناگون سیستم اجتماعی کلان، تغییر و تحول آن در جهت رشد و توسعه مدنظر می‌باشد. از لحاظ جهت‌گیری، این تئوری همگام با تئوری‌های کارکردی و آمیخته با تئوری‌های کثرت‌گرای (پلورالیستی) سیاسی است. جوهره این تئوری حاصل از فرآیند گذار از جامعه سنتی به جامعه جدید (سنت‌گرایی به نوگرایی) می‌باشد. این فرآیند گذار از باورهای دیرین و کنش‌های سنتی به استقرار عقلانیت و کنش آگاهانه و گذار از همبستگی مکانیکی و تقسیم کار ساده به همبستگی ارگانیکی و تقسیم کار پیچیده (طبق مدل دور کیمی) را به تصویر کشیده، مدنظر دارد. مرحله اول‌نوسازی در این تئوری‌نوسازی اقتصادی است که در مراحل بعدی به‌نوسازی و توسعه سیاسی و اجتماعی منتهی خواهد شد. و مشارکت سیاسی حاصله از استقرار‌نوسازی سیاسی در این مرحله است.

بر حسب این تئوری سطح مشارکت سیاسی یک جامعه، رابطه میان نهادهای سیاسی آن و نیروهای اجتماعی ترکیب‌کننده این نهادها را بازتاب می‌کند. و باید به موازات پیدایش و افزایش پیچیدگی ساختاری و تنوعات فکری و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی که متقاضی مشارکت می‌شوند، نهادهای پذیرنده مشارکت سیاسی هم پیدا شوند. بنابراین در این تئوری در نظر گرفتن تأثیر ساخت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روان‌شناختی، سیاسی، ارتباطی و... بر مشارکت سیاسی افراد در جامعه ضروری است.

در رویکرد اجتماعی و اقتصادی تئوری‌نوسازی که موضوع اصلی مورد نظر در این پژوهش است، متغیرها و شاخص تأثیر گذار بر مشارکت سیاسی مورد نظر قرار گرفته‌اند.

از جمله تأثیر ساخت اجتماعی، طبقه اجتماعی، آموزش و پرورش و متغیر سواد، شهرنشینی، صنعتی شدن، عامل جنسیت، وسایل ارتباط جمعی و... این متغیرها ضمن تأثیرگذاری مستقل خود بر زندگی سیاسی در یک مجموعه همبسته نیز بر مشارکت افراد در سیاست و انتخابات تأثیر گذار هستند.

صنعتی شدن و میزان آن یکی از فاکتورهایی است که بر میزان مشارکت مردم در انتخابات تأثیرگذار است. تأثیر صنعتی شدن را باید با توجه به رابطه و همبستگی شدیدی که بین این عامل و شهرنشینی و سواد وجود دارد، جستجو کرد. صنعتی شدن یکی از عوامل رشد و توسعه اقتصادی است. و بر حسب تئوری نوسازی، توسعه اقتصادی از عوامل همبسته با توسعه سیاسی و بعد خردتر آن مشارکت سیاسی است. صنعتی شدن وابسته به رشد و توسعه علوم و تکنولوژی است که از طریق نیروی انسانی ماهر و متخصص تحقق پیدا می‌کند. در اینجا تأثیر متغیر سواد در جهت تربیت نیروی انسانی متخصص در بخش صنعت مشخص می‌شود. این نیروی کارآمد و متخصص در فرآیند صنعتی شدن که متصف به کنش عقلانی و علمی است، حساسیت بیشتری نسبت به مسائل جامعه خود به ویژه در بعد سیاسی دارد. با توجه به این ویژگی‌هاست که مطالعات انجام شده، افزایش مشارکت سیاسی را تحت تأثیر افزایش میزان صنعتی شدن، در اکثر جوامع تأیید نموده‌اند.

آموزش و پرورش و سواد نیز از دیگر عواملی هستند که تأثیر مستقیم بر مشارکت مردم در انتخابات دارند. سواد، حس وظیفه شهروندی، شایستگی، علاقه و مسئولیت سیاسی را افزایش می‌دهد و باعث افزایش ویژگی‌های شخصیتی مثل اعتماد به نفس، احساس برتری و نظم و تشکل فکری می‌گردد. به عبارت دیگر سواد و تعلیم و تربیت با ایجاد نظم و تشکل فکری، ایجاد حساسیت به منافع شخصی و جامعه‌پذیری توسط فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی و مشارکت در انتخابات تأثیر گذار است. یکی دیگر از عواملی که قابل طرح است، اینکه افراد باسواد از بهره‌مندی‌های بالاتر اقتصادی و اجتماعی برخوردارند و در جهت حفظ این بهره‌مندیها به مشارکت سیاسی گسترده‌تر می‌پردازند.

عامل شهرنشینی نیز از دیگر عواملی است که تأثیر مثبت بر مشارکت سیاسی و مشارکت در انتخابات دارد. در شهرها امکان ایجاد احزاب، انجمن‌ها، سازمان‌های سیاسی بیشتر از روستاهاست و طبیعتاً تأثیر بسزایی بر میزان مشارکت در انتخابات دارد. دسترسی به وسایل ارتباطی در شهر بسیار بیشتر از روستاست، دسترسی به وسایل ارتباطی، انتقال اطلاعات و اخبار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در سطح وسیعی را امکان پذیر ساخته، موجب افزایش مشارکت در انتخابات خواهد شد. یکی از عوامل تبیین کننده تفاوت فعالیت بیشتر سیاسی در مناطق شهری در مقایسه با مناطق

روستایی، نظم و تشکل فکری بیشتر شهرنشینان است که منجر به فعالیت بیشتر اعضای انجمن‌ها و مؤسسات اداری در امور سیاسی می‌شود.

دیگر اینکه در روستاها به واسطه مشکلات عدیده خود، فرصت کمتری برای پرداختن به فعالیت‌های سیاسی دارند.

عامل جنسیت یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر میزان مشارکت در انتخابات است. در اکثر جوامع همیشه مردان بیشتر از زنان رأی داده و در انتخابات شرکت می‌کنند. این مورد توجه به چگونگی بسیج سیاسی، تقسیم کار بر مبنای تفاوت جنسی و نقش‌های متفاوت زنان و مردان لازم می‌باشد. در سطح کلی‌تر باید به نحوه تأثیر متغیرهای ساخت اجتماعی، روانی، فرهنگی و رفتاری در نحوه مشارکت زنان در انتخابات توجه داشت. زنان به علت محدود شدن به وظایف خانوادگی و خانگی و داشتن فرزند زیاد و نداشتن انتخابات دارند.

در زمینه متغیرها و شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی و مشارکت در انتخابات در بخش رویکرد اجتماعی و اقتصادی از تئوری نوسازی به تفصیل صحبت شد و در بخش انتخاب چارچوب تئوریک تحقیق، ضمن انتخاب متغیرهای مورد نیاز جهت یک واریسی عینی به تفاوت‌های نحوه تأثیر این متغیرها با توجه به شرایط خاص تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه ما اشاره شد.

پژوهشگر در جهت تبیین مشارکت سیاسی در ایران چند اصل را به عنوان پیش فرض پذیرفته است:

اولین اصل اینکه حقوق و آزادی‌های سیاسی که از طرف سیستم سیاسی برای مردم در نظر گرفته شده نقش تعیین کننده مستقیم در میزان مشارکت سیاسی افراد دارد. این کاملاً مشخص است که اگر دایره حقوق و آزادی‌های سیاسی موجود، وسیع‌تر و فراخ‌تر شود، امکان شیوه‌های گوناگون فعالیت سیاسی را برای گروه‌ها و اقشار فراهم می‌کند.

نقش مذهب و گرایش‌های مذهبی در افراد و در سطح جامعه، یک نقش تعیین کننده مستقیم بر میزان مشارکت مردم در انتخابات دارد. چون سیستم سیاسی ما متصف به ارزش‌ها، اصول و قوانین مذهبی (اسلامی) است، مسلماً هر چه در سطح جامعه گرایش به مذهب و اعتقادات و کنش‌های مذهبی بیشتر باشد، میزان مشارکت در انتخابات نیز افزایش خواهد یافت.

مشروعیت سیستم سیاسی در نظر افراد از عوامل تعیین کننده بر میزان مشارکت افراد در انتخابات است. مشروعیت پایه قوام و دوام هر نظام سیاسی است و بدون آن ادامه حیات دولت‌ها جز از طریق قهر و سرکوب میسر نیست. به عبارت دیگر مشروعیت نظام به معنای مطابقت داشتن نظام سیاسی یک کشور با ارزش‌های مورد قبول آن جامعه است و مشخص است که هر چه این مشروعیت گسترده و بیشتر باشد، میزان مشارکت سیاسی نیز بیشتر خواهد شد.

یکی دیگر از عوامل عمده تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی و مشارکت در انتخابات، عامل بیگانگی سیاسی است. بیگانگی سیاسی چه در جوامع غربی و چه در جامعه ما در صورت تحقق، به کاهش میزان مشارکت در انتخابات منجر خواهد شد. وقتی افراد جامعه‌ای دچار بی‌تفاوتی، بی‌معنایی، بی‌هویتی، بی‌هنجاری و از خود بیگانگی شوند، دیگر آن توان و انرژی لازم برای یک مشارکت همه جانبه و گسترده در فعالیت‌های سیاسی را ندارند.

وجود احزاب سیاسی و تشکل‌های مشابه، نحوه عملکرد کارگزاران سیاسی نیز از جمله عوامل مؤثر بر میزان مشارکت در انتخابات است که با توجه به خصوصیات هر جامعه‌ای، ویژگی‌های خاص خود را دارد.

عامل مهم دیگر، موجود بودن شقوق مختلف انتخابی برای انتخاب کنندگان نخبگان سیاسی است. اگر جناح‌های گوناگون سیاسی مجاز به فعالیت سیاسی باشند، این امکان برای افراد فراهم می‌شود که در صورت تغییر نظر و نگرش خود از عملکرد یک گروه سیاسی، به گروه‌های سیاسی رقیب گرایش پیدا کنند و این امر در نهایت موجب حفظ مشارکت افراد در فعالیت‌های سیاسی خواهد شد.

در فرضیات تحقیق با توجه به محدود بودن دامنه شقوق انتخابی برای مشارکت کنندگان ابتدا!

دو فرضیه بدین شرح شکل گرفت:

۱- صنعتی شدن تأثیر منفی بر میزان مشارکت در انتخابات دارد.

۲- شهرنشینی تأثیر منفی بر میزان مشارکت در انتخابات دارد.

در تئوری نوسازی این دو عامل تأثیر مثبت بر میزان مشارکت افراد در انتخابات دارد، ولی

لازمه این رابطه وجود شقوق مختلف برای مشارکت کنندگان است. به واسطه صنعتی شدن و

شهرنشینی، افراد و گروه‌های گوناگونی با نگرش‌های متفاوت شکل می‌گیرد، به صورتی که در یک قالب با زمینه انتخاب محدود تطابق ندارد. فرضیات دیگر بدین شرح مورد نظر قرار گرفت:

۴- ۳- سواد تأثیر مثبت بر میزان مشارکت افراد در انتخابات دارد

۵- عامل جنسیت بر میزان مشارکت افراد در انتخابات تأثیرگذار است.

۶- بیکاری تأثیر منفی بر میزان مشارکت افراد در انتخابات دارد.

۷- تورم تأثیر منفی بر میزان مشارکت افراد در انتخابات دارد.

به نظر پژوهشگر بیکاری و تورم از جمله عوامل نارضایتی در بین مردم هستند. مردم از لحاظ بهره‌مندی‌های اقتصادی و اجتماعی درخواست‌های معمول و مشروعی ندارد و اگر به واسطه هر عاملی (از جمله بیکاری و تورم) این بهره‌مندی‌ها تحقق پیدا نکند، نسبت به سیستم سیاسی که داعیه‌گردان اصلی کشور و از جمله در فعالیت‌های اقتصادی است، دل‌سرد شده، و تمایل کمتری برای مشارکت سیاسی پیدا می‌کنند.

با در نظر گرفتن فرضیات فوق، در جهت واریسی عینی آن به جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها پرداخته و با استفاده از مدل آماری تحلیل رگرسیون چند متغیری به تجزیه و تحلیل و تفسیر آن اقدام شد.

با توجه به محدود بودن واحد تحلیل (۲۴ استان) در هر دوره انتخابات ریاست جمهوری در جهت تحلیل متغیرهای تأثیرگذار بر انتخابات دوره اول الی ششم ریاست جمهوری از مدل رگرسیون با دو متغیر مستقل که بیشترین میزان همبستگی را با میزان مشارکت در انتخابات (متغیر وابسته) داشتند استفاده شد.

در دوره اول انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۵۸ دو متغیر سواد (۰/۴۵) و شهرنشینی (۰/۲۹-) بیشترین میزان همبستگی با میزان مشارکت در انتخابات (متغیر وابسته) داشته‌اند. متغیر سواد به تنهایی ۲۰٪ از تغییرات میزان مشارکت در انتخابات را توضیح می‌دهد. ضریب Beta برای متغیر سواد (۰/۴۴) می‌باشد. یعنی به ازای یک واحد افزایش در سواد ۰/۴۴ بر میزان مشارکت در انتخابات افزوده می‌شود. متغیر شهرنشینی به دلیل سطح احتمال خطا، وارد معادله نشده، ولی چون این تحقیق کل اطلاعات جامعه آماری را پوشش می‌دهد، شهرنشینی نیز با متغیر وابسته دارای رابطه معنی‌دار است. ضریب Beta برای شهرنشینی (۰/۲۰-) است، بدینوسیله در دوره اول ریاست

جمهوری فرضیات تحقیق مربوط به این متغیرها تأیید می‌شود، یعنی سواد تأثیر مثبت و شهرنشینی تأثیر منفی بر میزان مشارکت در انتخابات داشته است.

در دوره دوم انتخابات ریاست جمهوری (مرداد ماه ۱۳۶۰) دو متغیر بیکاری (۰/۳۱-) و سواد (۰/۲۱) بیشترین میزان همبستگی را با مشارکت در انتخابات دارند.

متغیر بیکاری به تنهایی ۹٪ تغییرات میزان مشارکت در انتخابات را توضیح می‌دهد. ضریب Beta برای متغیر بیکاری (۰/۳۱-) و برای متغیر سواد (۰/۲۰) می‌باشد. یعنی بیکاری تأثیر منفی و سواد تأثیر مثبت بر میزان مشارکت در انتخابات دارند. پس در این دوره نیز فرضیات مربوطه به متغیرهای فوق تأیید می‌شود. البته به علت سطح احتمال خطا هیچ کدام از دو متغیر فوق وارد معادله رگرسیون نشده‌اند و تعمیم نتایج حاصله به سایر انتخابات (غیر از انتخابات ریاست جمهوری) معنی‌دار نمی‌باشد؛ ولی در مورد انتخابات ریاست جمهوری رابطه‌ها واقعی است.

در دوره سوم انتخابات ریاست جمهوری متغیر بیکاری (۰/۴۳-) و تورم (۰/۲۵) بیشترین همبستگی با میزان مشارکت در انتخابات را داشته‌اند. متغیر بیکاری به تنهایی ۱۸٪ از تغییرات میزان مشارکت در انتخابات را توضیح داده و تبیین می‌کند. ضریب Beta برای متغیر بیکاری (۰/۴۲-) و برای متغیر تورم (۰/۱۳) می‌باشد. یعنی بیکاری تأثیر منفی و تورم تأثیر مثبت بر میزان مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری دارد. در این دوره فرضیه مربوط به تأثیر بیکاری تأیید و فرضیه مربوط به تأثیر تورم رد می‌شود.

در دوره چهارم انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۶۴ متغیر نسبت جنسی (۰/۵۵) و متغیر بیکاری (۰/۴۲-) بیشترین همبستگی را با میزان مشارکت در انتخابات داشته‌اند. نسبت جنسی ۲۹٪ و بیکاری ۱۳٪ از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. که در مجموع این متغیر ۴۲٪ از تغییرات میزان مشارکت در انتخابات دوره چهارم ریاست جمهوری را تبیین می‌کنند.

ضریب Beta برای متغیر حنسیت (نسبت جنسی) ۰/۵۰ و برای متغیر بیکاری ۰/۳۵- می‌باشد این بدین معناست که حنسیت تأثیر مثبت و بیکاری تأثیر منفی بر میزان مشارکت در انتخابات دارند. بدینوسیله فرضیات مربوط به متغیرهای فوق تأیید می‌شود.

در دوره پنجم انتخابات ریاست جمهوری دو متغیر نسبت جنسی (۰/۲۳) و شهرنشینی (۰/۳۳-) بیشترین همبستگی را با میزان مشارکت در انتخابات داشته‌اند. این دو متغیر ۲۳٪ از تغییرات میزان

مشارکت در انتخابات را توضیح می‌دهند. ضریب Beta برای متغیر نسبت جنسی (جنسیت) $0/۳۷$ و برای متغیر شهرنشینی $-0/۴۵$ می‌باشد. یعنی نسبت جنسی تأثیر مثبت و شهرنشینی تأثیر منفی بر میزان مشارکت در انتخابات دارد. بدینوسیله فرضیات مربوطه به متغیرهای فوق تأیید می‌شود.

در دوره ششم انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۲ دو متغیر صنعتی شدن ($-0/۳۴$) و سواد ($0/۲۰$) بیشترین همبستگی را با میزان مشارکت در انتخابات داشته‌اند. این دو متغیر ۲۵% از تغییرات میزان مشارکت در انتخابات را توضیح می‌دهند. ضریب Beta برای متغیر سواد ($0/۴۱$) و برای متغیر صنعتی شدن ($-0/۵۱$) می‌باشد. یعنی سواد تأثیر مثبت و صنعتی شدن تأثیر منفی بر میزان مشارکت در انتخابات دارند. بدینوسیله فرضیات مربوطه به متغیرهای فوق تأیید می‌شود.

در بررسی تأثیر شش متغیر مستقل موحود در تحقیق بر میزان مشارکت در انتخابات شش دوره ریاست جمهوری با توجه به حجم واحد تحلیل (۱۴۴ مورد) از تحلیل رگرسیون چند متغیری استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که تورم (۹%)، بیکاری (۶%)، شهرنشینی (۳%)، سواد (۸%)، و جنسیت (۲%)، از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. در مجموع این پنج متغیر در حدود ۲۹% از تغییرات میزان مشارکت در انتخابات را توضیح می‌دهند. متغیر صنعتی شدن به واسطه رابطه ضعیف و غیر معنی دار آن با متغیر وابسته نتوانسته است وارد معادله رگرسیون شود. ضریب Beta برای متغیر تورم ($-0/۷۴$)، بیکاری ($-0/۲۶$)، شهرنشینی ($-0/۵۱$)، سواد ($-0/۶۷$) و جنسیت ($0/۱۵$) می‌باشد. بدین معنا که تورم، بیکاری و شهرنشینی تأثیر منفی و سواد و جنسیت تأثیر مثبت بر میزان مشارکت در انتخابات دارند. بیشترین تأثیر مربوط به متغیرهای تورم و سواد و کمترین تأثیر مربوط به جنسیت می‌باشد. بدینوسیله فرضیات تحقیق همگی به جز فرضیه مربوط به صنعتی شدن تأیید می‌شود. صنعتی شدن یک رابطه ضعیف مثبت و البته غیر معنی دار با میزان مشارکت در انتخابات دارد (ضریب Beta ۷%)، و این در جهت عکس فرضیه تحقیق می‌باشد. این مورد احتمالاً به تأثیر متغیرهای مداخله‌گر دیگری است که خارج از این بررسی قرار دارند.

در مورد نقش عوامل اجتماعی و اقتصادی و حدود تأثیر آن که در فرضیه کلی پژوهش مطرح شده است، باید عنوان نماییم که این عوامل محدود به شش متغیر مستقل پژوهش نمی‌باشد. و مطمئناً با اضافه شدن متغیرهای جدید اجتماعی و اقتصادی مقدار R^2 افزایش حاصل نموده، سهم بیشتری از متغیر میزان مشارکت در انتخابات را توضیح می‌دهند. به صورتی که می‌توانیم در نتیجه

کلی عنوان نماییم که عوامل اجتماعی و اقتصادی از جمله عوامل عمده موثر بر میزان مشارکت در انتخابات هستند. هر چند سهم تأثیر شش متغیر مستقل موجود در پژوهش قادر به تأیید این فرضیه نمی‌باشد.

در مجموع مباحث مطرح شده، این نتیجه قابل ارائه است که میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری از سیر نزولی برخوردار بوده و کاهش یافته است. این پدیده معلول عوامل گوناگونی است که این تحقیق با تکیه بر عوامل جامعه‌شناختی (اجتماعی و اقتصادی) به بررسی تأثیر برخی از آنها مبادرت نمود. با توجه به تأثیر منفی تورم و بیکاری بر میزان مشارکت در انتخابات می‌توان بیان کرد که نارضایتی حاصل از تأثیرات اقتصادی، اجتماعی و ... تورم بیکاری در زندگی روزمره مردم و عدم ارضاء و تأمین نیازهای اقتصادی و اجتماعی و ... مردم یکی از عوامل مؤثر در کاهش میزان مشارکت در انتخابات است. با توجه به پیش فرض‌های پژوهش نیز می‌توانیم اشاره کنیم که محدودیت‌های مربوط به حقوق و آزادی‌های سیاسی که مبتنی بر ماهیت دموکراسی در ایران هستند - دموکراسی مشروط - نهادینه نشدن تشکل‌های سیاسی و فعالیت‌های احزاب، انجمن‌ها و ...، محدود بودن دامنه شقوق انتخابی برای مشارکت کنندگان، ایجاد میزانی از دلسردی و ناامیدی در بین مردم، به واسطه عدم تحقیق اهداف و شعارهای انقلاب از جمله مواردی هستند که بر کاهش میزان مشارکت مردم در انتخابات تأثیر گذارند.

پیشنهادات

چند پیشنهاد ممکن در جهت افزایش میزان مشارکت در انتخابات بدین شرح ارائه می‌گردد:

۱- با اعمال سیاست گذاری‌های صحیح اقتصادی، اجتماعی و ... سعی شود از میزان نارضایتی مردم کاسته شود. کاهش تورم و بیکاری با توجه به یافته‌های پژوهش، بخشی از این سیاست گذاری‌ها می‌تواند باشد.

۲- با تغییراتی در میزان حقوق و آزادی‌های سیاسی افراد، سعی شود بستر مناسبی برای فعالیت‌های سیاسی افراد فراهم شود. با ایجاد چنین بستری است که فضای مناسبی برای بسط و تعمیق فرهنگ

سیاسی با حفظ مبانی وحدت ملی و اقتدار سیاسی شکل گرفته، امکان مشارکت گسترده‌تر، سازمان یافته و آگاهانه‌تر فراهم می‌شود.

۳- با توجه به پیشنهاد شماره ۲، سعی شود، دامنه شقوق انتخابی برای مشارکت کنندگان با افزایش جناح‌های گوناگون سیاسی و افزایش تعداد کاندیدها در انتخابات فراهم شود.

۴- در ادامه موارد قبل و همگام با آنها توسعه فعالیت‌های سیاسی در قالب ایجاد و گسترش احزاب، تشکل‌ها، اتحادیه‌ها و سندیکاهای صنفی، حرفه‌ای و سیاسی صورت گیرد. که این عامل به طور مستقیم و غیر مستقیم در افزایش میزان مشارکت در انتخابات تأثیر دارد.

۵- پیگیری اهداف و آرمان‌های والای انقلاب از جمله آزمان عدالت اجتماعی از جمله مواردی است که در رفع و کاهش بی‌تفاوتی و دل‌سردی سیاسی مردم تأثیرگذار بوده و زمینه را برای افزایش میزان مشارکت مردم در انتخابات فراهم می‌نماید.

در زمینه انجام تحقیقات مناسب در مورد چرایی و چگونگی فرآیند مشارکت سیاسی در ایران پیشنهاد می‌گردد که به صورت پیمایشی و با مراجعه به افراد به بررسی نظرات، گرایش‌ها و کنش‌های ایشان پرداخته شود تا مکملی برای تحقیقات اسنادی و نظری در تبیین کامل‌تر میزان مشارکت سیاسی مردم باشد.

محدودیت‌های پژوهش

محدودیت عمده‌ای که در اینجا قابل ذکر است، مشکلات مربوط به جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات آماری در زمینه متغیرهای موجود در تحقیق می‌باشد. شاید برخی از افراد بر این تصور ساده باشند که این اطلاعات و داده‌ها به راحتی در دسترس محققان قرار می‌گیرد؛ در حالی که در واقعیت امر، به علت مشکلات و عدم نهادینه شدن دستگاه‌های اطلاع‌رسانی، زمان عمده‌ای از کل فرآیند پژوهش در زمینه جمع‌آوری، محاسبات و پردازش این داده‌ها و اطلاعات مصرف می‌شود. عدم همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط و دارنده این اطلاعات نیز از دیگر مواردی است که قابل ذکر است.

منابع

- آبرکرامبی، نیکلاس، برایان ترنر و دیگران. فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، چاپ اول، تهران، انتشارات چاپخش، ۱۳۶۷.
- با تامور، تی، بی. جامعه‌شناسی سیاسی. ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، چاپ اول، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۸.
- دال، رابرت. تجزیه و تحلیل جدید سیاست. ترجمه حسین ظفریان، تهران، ۱۳۶۴.
- ابشتاین، ویلیام. مکاتب سیاسی معاصر. ترجمه حسینعلی نودری، چاپ اول، تهران، نشر گستره، ۱۳۶۶.
- بوتول، گاستون. جامعه‌شناسی سیاسی. ترجمه دکتر هوشنگ فرخجسته. چاپ اول، تهران، نشر شیفته، ۱۳۷۱.
- دوورژه، موریس. جامعه‌شناسی سیاسی. ترجمه ابوالفضل قاضی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۴.
- هاتینگتون، ساموئل. سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ اول، تهران، نشر علم، ۱۳۷۰.
- داد، سی. اچ. رشد سیاسی. ترجمه عزت‌اله فولادوند. چاپ اول، تهران، نشر نو، ۱۳۶۹.
- رایت، رابین. اسلام، دموکراسی و غرب. ترجمه علیرضا طیب. مجله سیاست خارجی، سال هفتم، شماره ۱، ۱۳۷۲.
- وینسنت، اندروز نظریه‌های دولت. ترجمه حسین بشیریه. چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۷۱.
- بیرو، آلن. فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر ساروخانی. چاپ اول، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۶.
- تفضلی، فریدون. اقتصاد کلان. نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی. چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۶۸.
- طلوع شمس، احمد. دولت و اقتصاد ملی. چاپ اول، تهران، انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، ۱۳۵۸.
- گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. چاپ اول، تهران، انتشارات نشر نی، ۱۳۷۳.

- Binder, I. "Crises and sequences in political Development" princeton university press, 1971.
- Dowse, R.E. "Political sociology" John Willey and sons, London, 1975.
- Giffen gevena east. "The role of the media in plitical participation" university of Missouri – columbia, 1989.
- Kang, jung in. "Political participation: is meaning, concept and forms" university of California, Berkeley, 1987.
- Lafferty, william M. "social development and political participation" international sociological association, 1987.
- Templeton; F. "alienation and political participation : public opinion quarterly" 1966.
- Vanderveen, Paula louise "women and political participation: Mcgill university Canada, 1990.
- Weiner, Myron "Political participation: crisis of political process" princeton, 1971.